

رجال پژوهش‌ها

سالنامه علمی - تخصصی
سال چهارم، شماره ۴، سال ۱۴۰۰

تحلیل پدیده «ترجمه ضمنی» در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها^۱

سیداحمد موسوی پور^۲، جمال الدین حیدری فطرت^۳

چکیده

هنگام کاوش‌های راوی‌شناسانه در منابع رجالی و فهرستی، با سه گونه داده رجالی مواجهیم: اطلاعات رسمی، داده‌های جانبی و ترجمه ضمنی. پژوهش رجالی کامل و کارآمد، واکاوی هر سه گونه داده راوی‌شناسانه را می‌طلبد، که در میان آنها، تحلیل پدیده «ترجمه ضمنی» در کتاب رجال نجاشی، محور این نوشتار قرار گرفته است. با گردآوری کاربردهای این پدیده در این کتاب و دلالت‌سنجی و تحلیل آن، چنین به دست می‌آید که نجاشی، ترجمه ضمنی راوی را معمولاً زمانی به کار بسته است که سه پیش‌شرط: وابستگی خویشاوندی، راوی بودن، و مؤلف نبودن، محقق شود. بررسی پدیده ترجمه ضمنی، هم دستاوردهای توصیفی را در محورهای توثیق، مدح، تضعیف و طبقه‌روایی به دنبال دارد و هم دستاوردهای تحلیلی، چون: اثبات

رجال
پژوهش‌ها

تحلیل پدیده «ترجمه ضمنی» در رجال نجاشی؛ گونه‌ها و دستاوردها

تاریخ تأیید: ۴۰۰/۱۱/۱۲

۱. تاریخ دریافت: ۴۰۰/۹/۱۵

۲. دانش پژوه سطح ۴ رشته تخصصی رجال الحدیث حوزه علمیه قم، ایران. sahmadosavipor@gmail.com

۳. مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول). heidarifetrat@chmail.ir

وجود ناقلان شفاهی احادیث در عصر صادقین علیهم السلام و توثیق غیرصاحبان کتاب حدیثی را نتیجه می‌دهد.
واژگان کلیدی: رجال نجاشی، ترجمه ضمنی، توصیفات رجالی، توثیق ضمنی،
راوی‌شناسی، ناقلان شفاهی حدیث.

مقدمه

مرجع اصلی راوی‌شناسی، منابع رجالی است و این دسته منابع، داده‌هایی را در مدخل‌های مرتبط با هر راوی، ارائه می‌دهند. تصور ابتدایی از داده‌های رجالی، اطلاعاتی است که ذیل مدخل رسمی هر راوی، به نمایش گذاشته شده؛ حال آنکه، داده‌های راوی‌شناسانه منابع رجالی، بسیار فراتر از آن چیزی است که در مدخل رسمی راویان جای گرفته است. هنگام تحلیل منابع رجالی، به ویژه منابع اصلی این دانش، درمی‌یابیم که با سه گونه داده‌های راوی‌شناسانه مواجه هستیم: اطلاعات رسمی، ترجمه ضمنی، و داده‌های جانبی. اطلاعات رسمی، داده‌هایی است که مؤلف کتاب رجالی یا فهرستی، ذیل مدخل رسمی یک راوی، به نمایش گذاشته است. در ترجمه ضمنی، قضیه به گونه دیگری رقم خورده است؛ مؤلف، گاه، در مدخل یک راوی، معرفی راوی دیگر و ارائه اطلاعاتی رجالی درباره وی را قصد کرده است. این داده‌ها را ترجمه ضمنی می‌توان نام نهاد. در مقابل، اطلاعات پراکنده‌ای را که در این منابع قابل استخراج است و گاه، با کنار هم چیدن آنها، می‌توان به اطلاعات تازه‌تری دست یافت، داده‌های جانبی می‌نامیم.^۱ بهره‌برداری از همه گونه‌های بالاست که می‌تواند ترسیمی نزدیک به واقع را از راوی به نمایش گذارد. از این رو، در یک پژوهش رجالی کامل و کارآمد، واکاوی هر سه گونه داده‌های راوی‌شناسانه، ضروری می‌نماید. در میان این سه، توصیف و تحلیل پدیده ترجمه ضمنی محور این نوشتار قرار گرفته است. با توجه به جایگاه علمی کتاب احمد بن علی بن عباس نجاشی^۲ (م ۴۵۰ق) در دانش

رجالی
پژوهش‌ها

سال چهارم شماره ۴، سال ۱۴۰۰

۱. توضیحات بیشتر درباره گونه‌ها و شیوه بهره‌برداری از داده‌های جانبی، در پایان این نوشتار خواهد آمد.
۲. هرچند که بر پایه ماهیت و ساختار این کتاب - که عهده‌دار معرفی کتاب‌های شیعیان بوده - و آنچه که در ابتدای بخش دوم کتاب خویش نگاشته (الجزء الثاني من کتاب فهرست أسماء مصنفی الشيعة، ص ۲۱۱)، باید این کتاب را «فهرست نجاشی» عنوان نهاد، ولی بنابر استعمال مشهور، در این نوشتار، از آن، به «رجال نجاشی» یاد می‌شود.

رجال شیعہ، سبک نگارشی قابل ستایش آن و بهره‌گیری فراوان و نظام‌مند وی از پدیده ترجمه ضمنی، کتاب رجال نجاشی به عنوان بستر این پژوهش انتخاب شده است.^۱ این پژوهش بر پایه گردآوری کاربردهای ترجمه ضمنی در کتاب نجاشی و دلالت‌سنجی و تحلیل آن، شکل گرفته است.

آنچه که این نوشتار در اولین گام، در پی آن است، توصیف و گونه‌شناسی ترجمه ضمنی در کتاب رجال نجاشی است؛ چراکه تا کنون پرداختی جامع به این مسأله مهم نشده است. در گام دوم، دستیابی به دستاوردهای راوی‌شناسانه و اعتبارسنجانه برآمده از آن، مورد نظر قرار گرفته است.

پیشینه

بهره‌برداری از ترجمه‌های ضمنی کتاب رجال نجاشی، به‌ویژه توثیقات ضمنی آن، در اولین تألیفات رجالی پس از عصر نجاشی، همچون: «خلاصة الاقوال»^۲ علامه حلی (م ۷۲۶ق) و «الرجال» حسن بن داود حلی^۳ (زنده در ۷۰۷ق) به چشم می‌خورد. این اقدام، همواره مورد عنایت رجالیان شیعه تا عصر حاضر^۴ بوده است. با این وجود، باید گفت که پدیده

۱. پرواضح است زمانی می‌توان پژوهش کاملی را ارائه کرد که ترجمه‌های ضمنی را در محدوده همه اصول رجالی شیعه و نه تنها رجال نجاشی، و حتی کتاب‌های حدیثی، جستجو و استخراج کرد. بررسی ترجمه «داود بن کثیر رقی» در اصول رجالی و توجه به قرار داشتن دو همسر وی در «اصحاب الصادق» در کتاب رجال برقی و رجال طوسی، که ثابت‌کننده شاگردی خود وی نزد امام صادق است، را می‌توان به عنوان نمونه‌ای گویا از لزوم توجه به ترجمه‌های ضمنی همه منابع یاد کرد: «قنواء بنت رشید الزیات، امرأة داود الرقي» (برقی، رجال، ص ۶۲) و «الرباب امرأة داود بن کثیر الرقي» (طوسی، رجال، ص ۳۲۷، ش ۴۹۱۹).

۲. برای نمونه، علامه حلی در ترجمه محمد بن مهاجر بن عبید ازدی، وی را بر پایه توثیق ضمنی نجاشی در مدخل پسرش اسماعیل، ثقه خوانده است. ر.ک: حلی، خلاصة الأقوال، ص ۱۴۸. البته علامه حلی در مواردی، به برخی ترجمه‌های ضمنی و حتی توثیقات ضمنی، توجهی نکرده است. برای نمونه: نجاشی در مدخل مندل بن علی العنزی، وی و برادرش را ثقه خوانده است: «مندل بن علي العنزي وأخوه حيان ثقتان» (نجاشی، رجال، ص ۴۲۲، ش ۱۱۳۱)، ولی علامه حلی، هیچ نامی از حیان بن علی العنزی به میان نیاورده است؛ چه رسد به توثیق وی!

۳. برای نمونه، ابن داود، عبدالله بن رباط بعلی را تنها با تکیه بر توثیق ضمنی نجاشی در ترجمه پسرش محمد بن عبدالله بن رباط (حلی، الرجال، ص ۳۵۶، ش ۹۵۵)، ثقه دانسته، می‌نویسد: «عبد الله بن رباط بالراء و الباء المفردة ثقة» (همان، ص ۲۰۳، ش ۸۴۶).

۴. برای نمونه، آیت الله خوئی در معجم رجال الحديث (خوئی، معجم الرجال، ج ۱۳، ص ۱۲۶، ش ۸۹۸۳)

ترجمه‌ی ضمنی، به صورت مستقل و به عنوان یکی از سبک‌های نگارشی نجاشی در تدوین کتاب خویش، تاکنون مورد پردازش و ترسیم رجال‌پژوهان قرار نگرفته و پژوهشی در این زمینه به ثمر ننشسته است؛ پژوهشی که ضمن معرفی این پدیده، به گونه‌شناسی آن پردازد و در صدد تحلیل و چینش دستاوردهای آن باشد. تنها تلاشی که برخی رجال‌پژوهان معاصر به انجام رسانده‌اند، استخراج توثیق‌شدگان ضمنی و یا ترجمه‌شدگان ضمنی است. آقای شیخ جعفر سبحانی در کتاب رجالی خویش، به جمع‌آوری برخی توثیق‌شدگان ضمنی پرداخته^۱ و آقای ابوطالب علی‌نژاد در نگاشته خود، این تلاش را تکمیل و فهرستی از ترجمه‌شدگان ضمنی را با نام «عناوین استطرادی» گردآورده است.^۲ کامل‌ترین تلاشی که در زمینه جمع‌آوری عناوین ترجمه‌شدگان ضمنی به ثمر ننشسته، بخش «عنوان ضمنی» در نرم‌افزار «درایة النور» است که توانسته ۱۹۹ عنوان ترجمه‌ی ضمنی کتاب رجال نجاشی را در بخشی مجزا^۳ گردآورد. آنچه که این پژوهش را ضروری‌تر می‌نماید، جدای از کامل نبودن عناوین ضمنی گردآمده در این نرم‌افزار مرجع و پُراستفاده، وجود اشتباهات در آن است.^۴

- عمرو بن مروان یشکری را بر پایه توثیق ضمنی نجاشی در مدخل برادرش عمار بن مروان، ثقه دانسته است: «عمرو بن مروان الیشکری... تقدم توثيقه عن النجاشي في ترجمة أخيه: عمار بن مروان».
۱. مؤلف در کتاب کلیات فی علم الرجال (ص ۶۶ تا ۷۰) به گردآوری ۵۰ مورد توثیق ضمنی همت گمارده است. ولی باید توجه داشت که اولاً این کتاب، فقط به توثیقات ضمنی پرداخته و نه ترجمه‌های ضمنی؛ ثانیاً در گردآوری تمام موارد توثیق نیز تلاش کاملی صورت نگرفته؛ ثالثاً در تعلق توثیق به برخی موارد گردآمده، اشتباه رخ داده است (مانند: تعلق توثیق در ترجمه الحسین بن محمد بن الفضل به عموییش، اسماعیل بن الفضل بن یعقوب النوفلی، در مدخل ۱۳۱)؛ رابعاً گردآوری این توثیقات، به هدف تحلیل و استخراج مبانی رجالی نبوده است.
 ۲. ر.ک: حسینی شیرازی، دانش رجال، صص ۹۹-۱۰۷. نگارنده، ابتدا توضیح کوتاهی درباره پدیده ترجمه‌ی ضمنی (استطرادی) ارائه داده، سپس به گردآوری ۱۶۸ عنوان ترجمه‌ی ضمنی پرداخته است. گرچه این تلاش، ارزشمند و قابل استفاده است، ولی می‌توان خلط میان ترجمه‌ی ضمنی و داده‌های جانبی را در این گردآوری، از اشکالات آن به حساب آورد.
 ۳. ر.ک: نرم‌افزار درایة النور، محیط «کتب ثمانیة رجالی»، سربرگ «عنوان»، سربرگ فرعی «عنوان ضمنی». البته لازم است که با غیرفعال علامت دیگر کتاب‌های رجالی، دامنه جستجو را به «النجاشی» محدود کرد.
 ۴. مشکلی که در بخش ترجمه‌های ضمنی نرم‌افزار درایة النور قابل اشاره است، خلط میان ترجمه‌ی ضمنی و داده‌های جانبی در برخی عناوین است. تعبیر «شیخنا» را ترجمه‌ی ضمنی حساب کردن در موارد متعدد، از آن جمله است. جدای از این اشکال، بی‌توجهی به برخی ترجمه‌های ضمنی، مانند: اسحاق بن رباط و یونس بن رباط، خالی بودن برخی عناوین ضمنی چون: الحکم بن عتیبه، ایوب بن نوح بن دراج، عبدالله

مفهوم شناسی ترجمه ضمنی

با بررسی ترجمه‌های ضمنی رجال نجاشی، می‌توان این تعریف را برای پدیده ترجمه ضمنی برگزید: «پردازش نجاشی نسبت به خویشاوندان مؤلف مدخل شده، که در عرصه انتقال احادیث، نقش آفرینی داشته و در بیشینه موارد، مؤلف کتاب نبوده‌اند». هدف نجاشی، شناساندن این دسته راویان است که در بیشتر موارد، همراه با ارائه داده‌های رجالی، چون: توثیق^۱، مدح^۲، تضعیف^۳، معرفی خاندان‌های حدیثی^۴ و روایت از معصومان^۵ درباره یک یا چند نفر بوده است. نمونه زیر، گویای نکته پیش گفته است:

«إسماعیل بن عبد الخالق بن عبد ربه... وجه من وجوه أصحابنا و فقیه من فقہائنا، و هو من بیت الشیعة عمومته شهاب و عبد الرحیم و وهب و أبوه عبد الخالق کلهم ثقاة، و روا عن أبي جعفر و أبي عبد الله^۶». و إسماعیل نفسه روی عن أبي عبد الله و أبي الحسن^۶.

نجاشی در مواردی چند، برخی از مؤلفان مدخل شده را نیز در مدخل دیگران، توصیف ضمنی کرده است. بیان مصادیق و گونه‌های ترجمه ضمنی، در بخش‌های بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

- بن عثمان الفزاری و مالک بن الحارث الاشر، از مستند و متن رجالی، همچنین اشتباه در برداشت از برخی متون رجالی (مانند برداشت تضعیف علی بن محمد البرذعی از ترجمه محمد بن الحسن بن عبدالله الجعفری، (نجاشی، رجال، ص ۳۲۴، ش ۸۸۴) را می‌توان از اشکالات این نرم‌افزار در بخش «عنوان ضمنی» برشمرد.
۱. چون: اسماعیل بن محمد ابی خالد بن مهاجر بن عبید... و هما ثقان من أصحابنا الکوفیین. (همان، ص ۲۵، ش ۴۶).
 ۲. چون: الحسین بن القاسم بن محمد بن ایوب بن شمون أبو عبدالله الکاتب. و کان أبوه القاسم من أجلة أصحابنا. (همان، ص ۶۶، ش ۱۵۷).
 ۳. چون: جابر بن یزید الجعفی... روی عنه جماعة غمز فیهم و ضَعَفُوا منهم: عمرو بن شمر و مفضل بن صالح. (همان، ص ۱۲۸، ش ۳۳۲).
 ۴. چون: إسحاق بن عمار بن حیان... ثقة و إخوته یونس و یوسف و قیس و إسماعیل و هو فی بیت کبیر من الشیعة. (همان، ص ۷۱، ش ۱۶۹).
 ۵. چون: اسحاق بن یزید بن اسماعیل الطائی روی عن أبي عبد الله^۶ و روی أبوه عن أبي جعفر^۶. (همان، ص ۷۲، ش ۱۷۲).
 ۶. همان، ص ۲۷، ش ۵۰.

پیش‌شرط‌های ترجمه‌ی ضمنی

گردآوری کامل و همه‌جانبه‌ی ترجمه‌های ضمنی رجال نجاشی، ما را با ۳۰۸ ترجمه‌ی ضمنی در مدخل‌های رسمی این کتاب مواجه می‌سازد.^۱ با مشاهده‌ی این حجم وسیع از این‌گونه داده‌های راوی‌شناسانه، این پرسش مطرح می‌شود که نجاشی، چه زمانی به ترجمه‌ی ضمنی می‌پردازد و چه هدفی را دنبال می‌کرده است؟ به دیگر بیان، آیا می‌توان با گردآوری و تحلیل ترجمه‌های ضمنی این کتاب، فرایند به کار رفته در کتاب را تحلیل و پیش‌شرط‌های نگارنده را استخراج کرد؟ در پاسخ باید گفت: نجاشی، در بیشینه‌ی موارد، زمانی که سه پیش‌شرط زیر محقق شود، به ترجمه‌ی ضمنی پرداخته است:

۱. وابستگی خویشاوندی با صاحب مدخل

اندکی بیش از ۹۵ درصد این گروه، با صاحب مدخل خویشاوندی دارند. رابطه‌هایی چون:

الف. برادر: ۱۰۶ مورد از ۳۰۸ نفر^۲؛

ب. پسر: ۳۱ مورد^۳؛

ج. پدر: ۵۹ مورد^۴؛

د. عمو، پسر عمو، عمه و دایی: ۳۹ مورد^۵؛

چهارم
پژوهش‌ها

سال چهارم، شماره ۴، سال ۱۴۰۰

۱. از آنجایی که برخی از عناوین راویان ضمنی، در بیش از یک مدخل، ترجمه‌ی ضمنی شده‌اند، با حذف موارد تکراری، می‌توان آن را حاکی از ۲۹۳ نفر دانست. البته با توجه به تفاوت اطلاعات ارائه شده درباره‌ی یک راوی در مواضع مختلف، همچنین داشتن نسبت‌های گوناگون با صاحبان مدخل رجال نجاشی، آنچه که در این نوشتار ملاک عمل قرار گرفته، همان ۳۰۸ عنوان ترجمه‌ی ضمنی است. گفتنی است که همه‌ی اطلاعات درباره‌ی این دسته راویان، در جدول‌هایی منظم، گردآوری شده که به دلیل حجم فراوان، قابل اندراج در این مقاله نیست ولی نزد نگارنده، محفوظ و برای طالب آن، قابل عرضه است.
۲. چون مدخل‌های: ۹۳ محمد بن عطیة الحنّاط، ۱۱۶ الحسن بن علوان الکلبی، ۱۲۳ الحسن بن المختار القلانسی و ۱۳۹ محمد بن خالد البرقی.
۳. چون مدخل‌های: ۱۷۴ احمد بن اسحاق بن عبدالله الأشعری، ۱۹۰ عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبیدالله الأشعری، ۲۵۹ زکریا بن ادريس ابو جریر القمی و ۲۷۲ عمرو بن الیاس بن عمرو.
۴. چون مدخل‌های: ۹۶۶ عذافر بن عیسی الصیرفی، ۹۶۹ سکین بن عمار النخعی، ۱۱۹۰ زکریا بن شیبان الکنندی و ۱۲۰۵ ابراهیم بن ابی البلاد.
۴. چون مدخل‌های: ۴۹۷ صفوان بن یحیی، ۵۲۰ ابوبصیر یحیی بن القاسم، ۲۷۳ غنیمة بنت عبدالرحمن بن نعیم و ۶۱۵ عبدالله بن محمد بن نهیک.

هـ. اجداد: ۲۳ مورد^۱؛

و. نوادگان: ۱۲ مورد^۲؛

و بقیه نسبت‌ها، مانند: برادر جد، داماد، برادرزاده، خواهرزاده و خواهر، تعداد اندکی (۶ مورد) را به خود اختصاص داده است.^۳

گفتنی است، اشخاصی که رابطه خویشاوندی با صاحب مدخل ندارند، همچون: شاگرد، استاد، شباهت اسمی، تشابه در حیطة فعالیت‌های اجتماعی (چون وکالت از امام علیه السلام)^۴ ۲۰ مورد از ۳۰۸ نفر را به خود اختصاص داده است.

۲. راوی حدیث

پرواضح است که رجال نجاشی، یک اثر نَسَب‌نگاری نبوده که قصد معرفی خاندان همه افراد مدخل شده را داشته باشد. وقتی عملکرد نجاشی را در ترجمه‌های ضمنی، مورد کنکاش قرار می‌دهیم، درمی‌یابیم که نجاشی، نه در ترجمه همه صاحبان مدخل، بلکه تنها در ترجمه بخش اندکی از ایشان^۵، به معرفی افراد خاص از منسوبان وی پرداخته است. این مسأله زمانی سؤال برانگیزتر می‌شود که وی، در برخی موارد، بدون پرداختن به منسوبان اصلی، چون پدر و فرزندان، سراغ خویشانی همچون: دایی، پسرعمو، داماد، نوه دختری و... رفته است. در اینجا این سؤال مطرح است که چه ویژگی مشترکی میان این افراد وجود

چون نجاشی

تحلیل پدیده «ترجمه ضمنی» در رجال نجاشی؛ گوندها و دستاوردها

۵. چون مدخل‌های: ۲۰۷ عبیدالله بن الحسن بن عیاش الجوهری، ۲۲۹ عمر بن ریاح، ۲۳۹ المعلی بن اسد العمی و ۵۰۶ سفیان بن عیینة.
۶. چون مدخل‌های: ۲۷۲ الحسن بن علی الوشاء، ۳۰۶ العباس بن علی بن جعفر بن عبدالله، ۳۵۴ احمد بن علی بن الحکم و ۳۵۴ فقاعة الخمری.
۷. چون مدخل‌های: ۵۱۴ احمد بن داود بن علی القمی، ۴۰۵ محمد بن علی ابوسمینه و ۴۴۹ حمادة اخت ابی عبیده الحذاء بنت رجاء.
۸. چون مدخل ۹۲۸: «حدثنا القاسم بن محمد بن علي بن ابراهيم بن محمد وكيل الناحية و أبوه وكيل الناحية و جده علي وكيل الناحية و جد أبيه ابراهيم بن محمد وكيل [الناحية]».
۹. از بین ۱۲۶۹ مدخل این کتاب، ترجمه ضمنی تنها در ۱۹۴ مدخل وارد شده است؛ یعنی حدود ۱۵ درصد مداخل کتاب.

داشته که نجاشی با توجه به آن، پدیده‌ی ضمنی‌نگاریِ خویش را سامان داده است؟ در پاسخ، باید به «راوی حدیث بودن» ترجمه‌شدگانِ ضمنی اشاره کرد.^۱

جدای از پردازش و استدلال بالا، نشانه‌های زیر نیز مؤید و ثابت‌کننده‌ی راوی بودن ترجمه‌شدگانِ ضمنی است:

اول: تصریح نجاشی به راوی بودن: نجاشی در ترجمه‌ی ضمنی برخی افراد، با عباراتی چون: «روی أبوه...»^۲، «کان له مکاتبة»^۳، «یروی کتاب آیه...»^۴، «من خیار اصحاب...»^۵، «اکثر روایة منه»^۶، «کاتباً امیرالمؤمنین (علیه السلام)»^۷، «لا یعمل بما انفردا به من الروایة»^۸ و...، نقش روایت‌گریِ شخص را مورد اشاره قرار داده است. تعداد این افراد، ۱۳۶ مورد از ۳۰۸ نفر، یعنی ۴۴ درصد ترجمه‌های ضمنی است.

دوم: وجود روایات ایشان در منابع حدیثی موجود: روایات گروهی از ترجمه‌شدگانِ ضمنی در منابع حدیثی موجود، دلیلی است بر راوی بودن ایشان؛ هرچند که نجاشی، به این جنبه‌ی ایشان تصریحی نکرده باشد. ۱۱۵ مورد از ۳۰۸ ترجمه‌ی ضمنی، یعنی ۳۷ درصد، به این

۱. از این روست که باید گفت نجاشی کتاب فهرستی خویش را با نگاه به منابع حدیثی نگاشته و به کاربست‌های سندی و نقش‌آفرینیِ راویان در اسناد روایات، عنایت ویژه داشته است. مگر نه اینکه بیشتر ترجمه‌شدگانِ ضمنی، راوی هستند و یادکردگاهشان، تنها منابع حدیثی است و نه منابع فهرستی؟! دیگر نشانه بر درستی این مطلب (توجه نجاشی به منابع حدیثی و نقش روایت‌گریِ راویان)، گردآوریِ بیشترین مؤلفه‌های هویت‌شناسیِ راویان در مقایسه با تمام منابع رجالی و فهرستی موجود است. برخی تلاش‌های تمییز مشترکاتی، مانند آنچه که در ترجمه‌ی محمد بن قیس ابونصر اسدی به انجام رسیده، از این دست است: «محمد بن قیس ابونصر الأسدي... ولنا محمد بن قیس الجلي وله کتاب یساوي کتاب محمد بن قیس الأسدي ولنا محمد بن قیس الأسدي أبو عبد الله مولى لبني نصر أيضاً وکان خصیصاً ممدوحاً ولنا محمد بن قیس الأسدي أبو أحمد ضعيف روی عن أبي جعفر (علیه السلام)» (نجاشی، رجال، ص ۳۲۱، ش ۸۸۰).
۲. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۲۵، ش ۴۶؛ همان، ص ۹۰، ش ۲۲۴؛ همان، ص ۳۶۹، ش ۱۰۰۲.
۳. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۳۵۵، ش ۹۴۹. همچنین: «لوالده مکاتبه الی الرضا (علیه السلام)»: همان، ص ۳۴۶، ش ۹۳۵.
۴. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۴۹، ش ۱۰۶.
۵. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۴۹، ش ۱۰۶.
۶. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۱۳۷، ش ۳۵۲.
۷. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۴، ش ۱.
۸. به‌عنوان نمونه، ر.ک: همان، ص ۱۸۲، ش ۴۸۲.

گروه اختصاص دارد.^۱

دیگر نشانه‌ها: نشانه‌های دیگری چون: ورود تعابیر توصیفی حاکی از وثاقت یا مدح ترجمه‌شدگان ضمنی^۲، یا جای‌گیری در یکی از خاندان‌های حدیثی^۳ را می‌توان از نشانه‌های دیگر بر درستی ادعای بالا محسوب نمود. توضیح بیشتر آنکه علت اصلی توصیفات رجالی، شناساندن شخصیت حدیثی و نمایاندن میزان اعتماد به وی در نقل معارف روایی است. از سوی دیگر، شرط اصلی شکل‌گیری یک خاندان شیعی نیز حیثیت روایت‌گری ایشان است. در کنار گروه‌های بالا، می‌توان بخش اندکی از ترجمه‌شدگان ضمنی را یافت که هیچ‌یک از نشانه‌های چهارگانه، درباره‌ی ایشان به‌کار نرفته^۴، ولی با توجه به نکته‌ی مبنایی پیش‌گفته (که وجه مشترک تمام ترجمه‌شدگان ضمنی، راوی بودن ایشان است)، این گروه را نیز راوی حدیث می‌دانیم. تعداد ۶۱ مورد از ترجمه‌شدگان ضمنی، یعنی ۲۰ درصد، جزو این دسته‌اند.

۳. مؤلف نبودن

می‌دانیم که موضوع کتاب رجال نجاشی، مؤلفان شیعی است و قصد گردآوری و پرداختن به تمام راویان احادیث معصومان علیهم‌السلام، مد نظر نجاشی نبوده است. ترجمه‌ی ضمنی، عرصه‌ای است برای پرداختن به راویانی که به دلیل مؤلف نبودن، نمی‌توانستند به صورت مستقل در

تحلیل پدیده (ترجمه‌ی ضمنی) در رجال نجاشی: گونه‌ها و دستاوردها

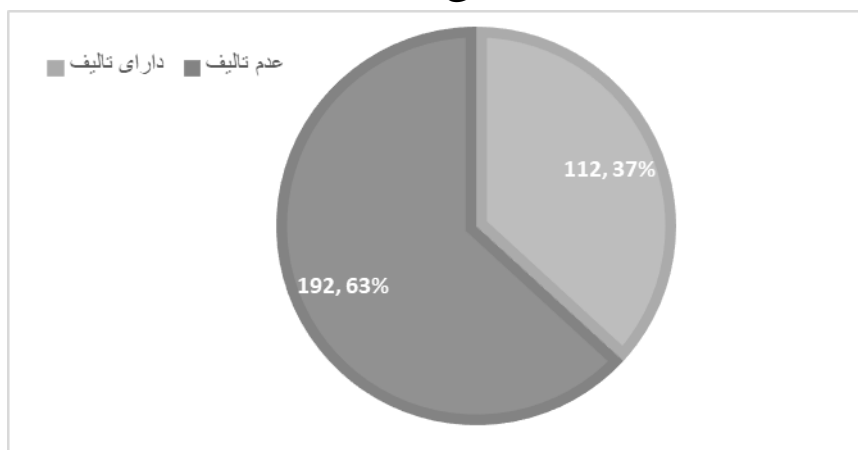
۱. ر.ک: همان، احمد بن محمد بن الهیثم العجلی (همان، ص ۶۵، ش ۱۵۱)، که در ۱۷ سند کتاب‌های شیخ صدوق، قرار گرفته است. همچنین: یونس بن عمار بن حیان الصیرفی (همان، ص ۷۱، ش ۱۶۹) و اسماعیل بن عبدالرحمن الجعفی (همان، ص ۱۱۰، ش ۲۸۱) که در کتب اربعه حدیثی، به ترتیب، در اسناد ۲۷ و ۱۱۰ حدیث واقع شده‌اند.

۲. ر.ک: همان، عبدالرحیم بن عبدربه (ص ۲۷، ش ۵۰)، همام بن عبدالرحمن البصری (ص ۳۰، ش ۶۲)، القاسم بن محمد بن ایوب بن شمون (ص ۶۶، ش ۱۵۷)، قیس بن عمار بن حیان (ص ۷۱، ش ۱۶۹).

۳. ر.ک: همان، شدید بن عبدالرحمن بن نعیم الأزدی الغامدی (ص ۱۰۸، ش ۲۷۳)، قیس بن عمار بن حیان الصیرفی (ص ۷۱، ش ۱۶۹). جالب آن است در مواردی که نجاشی اشاره‌ای گذرا به افراد یک خاندان می‌کند، در دیگر منابع، ردّ پای یک خاندان حدیثی را می‌یابیم. مانند: «الحسن بن رباط البجلي كوفي روى عن أبي عبدالله عليه السلام و إخوته إسحاق و يونس و عبدالله» (همان، ص ۴۶، ش ۹۴). کشتی در توصیف ایشان چنین می‌نویسد: «ما روي في بني رباط: قال نصر بن الصباح: كانوا أربعة إخوة الحسن و الحسين [إسحاق] و علي و يونس، كلهم أصحاب أبي عبدالله عليه السلام ولهم أولاد كثير من حملة الحديث» (کشتی، رجال، ص ۳۶۸، ش ۶۸۵).

۴. مانند محمد بن علی بن محمد بن علی بن عمر بن رباح در مدخل ۲۲۹ و محمد بن ثابت بن شریح در مدخل ۲۹۷.

این کتاب، مدخل شوند. با بررسی ۳۰۸ مورد ترجمه ضمنی، می‌بینیم که حدود دو سوم ایشان (۱۹۷ مورد)، مؤلف نیستند و نجاشی، با بهره‌گیری از این فرصت، به شخصیت ایشان و گونه نقش آفرینی‌شان در عرصه نقل حدیث، پرداخته است. نجاشی در مواردی اندک، به کتاب‌نداشتن برخی از ایشان، تصریح کرده است.^۱



نمودار درصدبندی ترجمه‌شدگان ضمنی دارای تألیف و بدون تألیف

در بیشینه موارد، این گروه، یا در طریق انتقال آثار حدیثی مؤلفان شیعی واقع شده‌اند و یا راویان مباشر ائمه علیهم‌السلام، به‌ویژه صادقین علیهم‌السلام، بوده‌اند.

سؤالی که در اینجا رخ می‌نماید، این است که هدف نجاشی از پرداختن به ترجمه ضمنی افرادی که خود، به دلیل مؤلف بودن، مدخلی مستقل دارند، چه بوده است؟ آیا وی نمی‌توانسته این اطلاعات ضمنی را در ترجمه اصلی‌شان مطرح کند؟ و چرا آن را به ترجمه ضمنی موکول کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان هدف نجاشی را یکی از سه مورد زیر دانست:

۱. شناساندن بهتر صاحب مدخل: نجاشی به منظور ایجاد شناخت بهتر نسبت به صاحب مدخل، در مواردی که یکی از منسوبان وی، شناخته شده است، از آن راوی معروف و نسبتش

۱. چنان‌که در ترجمه حسین بن علوان، به برادرش حسن پرداخته و به کتاب‌نداشتن وی تصریح کرده است: «الحسین بن علوان الکلبی، مولا هم کوفی عامی و أخوه الحسن یکنی أبا محمد ثقة رویا عن أبي عبد الله علیه‌السلام و لیس للحسن کتاب.» (همان، ص ۵۲، ش ۱۱۶). شبیه این عملکرد را تا حدودی در ترجمه محمد بن قیس ابونصر اسدی (همان، ص ۳۲۲، ش ۸۸۰)، هنگام پرداختن به چند محمد بن قیس دیگر نیز شاهدیم.

با صاحب مدخل، یاد می‌کند؛ هرچند که خود، مدخلی مستقل در این کتاب داشته باشد. مانند یادکرد نجاشی از محمد بن ابی حمزة ثمالی در ترجمه حسین بن حمزة لیثی^۱، محمد بن خالد برقی در ترجمه حسن بن خالد برقی^۲، و حسن بن علی و شاء در ترجمه الیاس بن عمرو بجلی^۳. همگی ترجمه‌شدگان ضمنی، خود، دارای مدخلی مستقل هستند.

۲. معرفی و ترسیم خاندان‌های حدیثی: یکی از اهداف میانی نجاشی در کتابش، معرفی خاندان‌های حدیثی شیعه و ترسیم حلقه‌های شکل‌دهنده آن است.^۴ یادکرد جمعی از راویان هر خاندان، در مدخل راوی شاخص آن، یکی از بهترین ابزارهای دستیابی به این هدف است. معرفی خاندان‌های: «حلبی»، «عبد ربّه»، «رواسی»، «ابن عمار صیرفی»، «آل نُعیم غامدی»، «بنو ابی سبرة جعفری»، «آل نَهِیک» و «ابن خانبه کرخی»^۵ در ضمن بهره‌گیری از ترجمه ضمنی، از آن جمله است.

۳. مقایسه یا تشابه بین دو راوی هم‌نسب: گاه، که نجاشی قصد مقایسه برخی ویژگی‌های دو راوی هم‌نسب، و یا شبیه‌سازی بین دو راوی هم‌نسب را دارد، چاره‌ای جز بهره‌گیری از پدیده ترجمه ضمنی ندارد. به عنوان نمونه، بررسی پردازش ضمنی محمد بن سلیمان دیلمی در مدخل پدرش^۶، و نیز ترجمه ضمنی یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد در مدخل برادرش^۷، رساننده این معناست.

۱. ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۵۴، ش ۱۲۱.

۲. ر.ک: همان، ص ۶۱، ش ۱۳۹.

۳. ر.ک: همان، ص ۱۰۷، ش ۲۷۲.

۴. شاید بتوان گفت کتاب رجال نجاشی در ترسیم خاندان‌های حدیثی شیعه، بهترین منبع دوره قدماست. سید بحر العلوم (م ۱۲۰۵ق) در اولین مجلد کتاب «الرسائل الرجالية» خویش، به استخراج و ترسیم خاندان‌های حدیثی شیعه بر پایه رجال نجاشی پرداخته است.

۵. به ترتیب ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۹۸ ش ۲۴۵، ص ۲۷ ش ۵۰، ص ۳۲۴ ش ۸۸۳، ص ۷۱ ش ۱۶۹، ص ۱۰۸ ش ۲۷۳، ص ۱۱۰ ش ۲۸۱، ص ۲۳۲ ش ۶۱۵، ص ۳۴۶ ش ۹۳۵.

۶. نجاشی که در مدخل «محمد بن سلیمان بن عبدالله دیلمی» وی را «ضعیف جداً لا یعول علیه فی شیء» معرفی کرده (همان، ص ۳۶۵، ش ۹۸۷) همین نکته را در ترجمه پدرش نیز تکرار می‌کند و با هدف تشابه بین این پدر و پسر، چنین می‌نگارد: «سلیمان بن عبدالله الدیلمی... غمز علیه و قیل: کان غالباً کذاباً. و كذلك ابنة محمد لا یعمل بما انفردا به من الروایة. له کتاب یوم و لیلة یرویه عنه ابنة محمد بن سلیمان.» (همان، ص ۱۸۲، ش ۴۸۲).

۷. نجاشی به گاه ترجمه «یحیی بن ابراهیم بن ابی البلاد»، توصیفش را این‌گونه رقم می‌زند: «ثقة هو و أبوه،

دستاوردهای ترجمه‌ ضمنی

دستاوردهای این پدیده را می‌توان در دو گروه «دستاوردهای توصیفی» و «دستاوردهای تحلیلی» جای داد. دستاوردهای تحلیلی، بر خلاف دستاوردهای توصیفی، نکاتی است که با تحلیل و ضمیمه کردن برخی مقدمات دیگر به دست می‌آید.

الف. دستاوردهای توصیفی

«توصیف راویان» به مدح و ذمّ را می‌توان یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای پدیده ترجمه‌ ضمنی دانست. بدین معنا که نجاشی، ضمن اشاره و یادکرد از راویان منسوب به مؤلف مورد نظر، در حدود یک‌سوم موارد، به توثیق، مدح و یا تضعیف وی تصریح کرده است. بررسی «طبقه‌ روایی» و تعاملات حدیثی راوی نیز از دیگر دستاوردهای ترجمه‌ ضمنی است. توجه به ترجمه‌های ضمنی و کارکردهای رجالی آن، تأثیرات فراوانی را در ارزیابی اسناد روایات به همراه دارد.^۱ در ادامه، درباره‌ی دستاوردها و موارد رخداد هر یک، به بحث خواهیم نشست.

۱. توصیفات رجالی

در این بخش به آن دسته از راویانی می‌پردازیم که در مورد آنها، توثیق، مدح و یا تضعیفی به صورت ضمنی وارد شده است:

الف. توثیق: افرادی که به صورت ضمنی توثیق شده‌اند، ۶۸ نفر (از ۲۹۳ نفر) هستند.

أحد القراء، کان یتحقق بأمرونا هذا.» (همان، ص ۴۴۵، ش ۱۲۰۵). نجاشی، در مدخل محمد، برادر یحیی، به قصد مقایسه فعالیت‌های حدیثی این دو برادر، به ترجمه‌ ضمنی می‌پردازد: «محمد بن ابراهیم بن ابي البلاد، و أخوه یحیی، ثقة قليل الحديث. و یحیی أخوه أكثر حدیثاً منه.» (همان، ص ۳۴۱، ش ۹۱۷). ترجمه‌ ضمنی «محمد بن جمهور» در مدخل پسرش «حسن» نیز از این دست است: «الحسن بن محمد بن جمهور العمی... ثقة في نفسه... يروي عن الضعفاء و يعتمد علی المراسیل. ذكره أصحابنا بذلك وقالوا: كان أوثق من أبيه و أصلح.» (همان، ص ۶۲، ش ۱۴۴).

۱. قابل ذکر است که دو نرم افزار تخصصی درایة النور و اسناد صدوق، که واکاوی راویان شیعه و ارزیابی اسناد کتب معتبر حدیثی شیعه را در دستور کار قرار داده، در ترجمه‌ راویان، به ترجمه‌های ضمنی هر راوی نیز توجه داشته‌اند. این امر، ارزش نرم‌افزار یادشده را دوچندان می‌کند. البته باید به این نکته توجه داد که دایرة جمع‌آوری و استخراج ترجمه‌های ضمنی و داده‌های جانبی نرم‌افزار کامل نیست و پژوهشگر را از جستجوهای واژگانی، بی‌نیاز نمی‌کند.

گفتنی است که نجاشی، از آنجایی که برای نگاشتن کتاب خود، نثری را با ظرافت‌های ادبی و واژه‌گزینی نظام‌مند به‌کار بسته، برای توثیق روایان ضمنی، از اسلوب‌های گوناگون و متنوع زیر بهره گرفته است:

۱. توثیق صریح، با تعبیری چون: «ثقة»، «ثقتان» و «ثقات»؛ از جمله:

عبارت‌پردازی نجاشی	صاحب مدخل و شماره آن	ترجمه‌شده ضمنی
الحسين بن علوان الكلبي... و أخوه الحسن يكنى أبا محمد ثقة ^۱ رويًا عن أبي عبد الله ^۲ و ليس للحسن كتاب	الحسين بن علوان الكلبي (۱۱۶)	الحسن بن علوان
الحسن بن أحمد بن محمد بن الهيثم العجلي أبو محمد ثقة من وجوه أصحابنا وأبوه و جده ثقتان	الحسن بن أحمد بن محمد العجلي (ش ۱۵۱)	أحمد بن محمد بن الهيثم العجلي
و أخوه عبد الله ثقتان رويًا عن أبي عبد الله ^۳	حماد بن عثمان الفزاري (۳۷۱)	عبدالله بن عثمان الفزاري
و إخوته زكريا و زياد و حفص ثقات كلهم رووا عن أبي عبد الله و أبي الحسن ^۴	بسطام بن سابور (ش ۲۸۰)	زياد بن سابور الزيات
و ابن عم محمد بن الحسن معاذ بن مسلم بن أبي سارة و هم أهل بيت فضل و أدب... و هم ثقات لا يطعن عليهم بشيء	محمد بن الحسن بن أبي سارة الرواسي (۸۸۳)	معاذ بن مسلم بن أبي سارة الرواسي

۲. توثیق با بهره‌گیری از واژگانی چون: «كذلك» و «ايضاً»، در ترجمه‌هایی چون:

عبارت‌پردازی نجاشی	صاحب مدخل و	ترجمه‌شده ضمنی
--------------------	-------------	----------------

۱. گرچه در تعلق وصف «ثقة» در این ترجمه، اختلاف نظری میان صاحب‌نظران رجالی برپاست، ولی محققان بیشتری، چون آقای سید موسی شبیری زنجانی، بر این باورند که «ثقة» توصیفی است برای حسن بن علوان (ترجمه ضمنی) و نه حسین (صاحب مدخل). (درس خارج فقه، ۹ اسفند ۱۳۹۰ هـ.ش).

شماره آن		
الحسن بن عطية الحنات كوفي مولى ثقة، و أخواه أيضاً محمد و علي [و] كلهم روى عن أبي عبدالله <small>عليه السلام</small> .	الحسن بن عطية الحنات (ش ٩٣)	علي بن عطية الحنات
ثقة و أخوه عبدالله كذلك و كانا شاعرين روى عن أبي عبدالله <small>عليه السلام</small> .	اسحاق بن غالب الأسدی (ش ١٧٣)	عبدالله بن غالب الأسدی
ثقة و أبوه أيضاً. روى أبوه عن أبي عبدالله <small>عليه السلام</small> و هو أخلط بنا من أبيه و أدخل فينا.	جعفر بن يحيى بن العلاء الرازی (ش ٣٢٧)	يحيى بن العلاء الرازی
عبدالله بن محمد بن خالد الطيالسي... رجل من أصحابنا ثقة سليم الجنبه. و كذلك أخوه أبو محمد الحسن.	عبدالله بن محمد بن خالد الطيالسي (ش ٥٧٢)	الحسن بن محمد بن خالد الطيالسي

٣. توثيق به وسیله عطف به ضمیر منفصل مرفوعی، از جمله:

عبارت پردازی نجاشی	صاحب مدخل و شماره آن	ترجمه شده ضمنی
ثقة هو و أبوه	يحيى بن ابراهيم بن ابي البلاد (ش ١٢٠٥)	ابراهيم بن ابي البلاد
محمد بن القاسم بن الفضيل بن يسار النهدي ثقة هو و أبوه و عمه العلاء و جدّه الفضيل	محمد بن القاسم بن فضيل بن يسار النهدي (ش ٩٧٣)	الفضيل بن يسار النهدي
الحسن بن عمرو بن منهال بن مقلاص كوفي ثقة هو و أبوه أيضا	الحسن بن عمرو بن منهال (ش ١٣٣)	عمرو بن منهال

حاشیه
پژوهشها

سال چهارم، شماره ٤، سال ١٤٠٠

۴. توثیق به وسیله عطف به ضمیر مستتر مرفوعی^۱، از جمله:

عبارت پردازى نجاشى	صاحب مدخل و شماره آن	ترجمه شده ضمنى
إسحاق بن عمار بن حيان... شيخ من أصحابنا ثقة وإخوته يونس و يوسف و قيس و إسماعيل.	اسحاق بن عمار الصيرفي (ش ۱۶۹)	يونس بن عمار بن حيان الصيرفي
مرازم بن حكيم الأزدي المدائني مولى ثقة و أخواه محمد بن حكيم و حديد بن حكيم	مرازم بن حكيم الازدي (ش ۱۱۳۸)	محمد بن حكيم
هارون بن خارجة كوفي ثقة و أخوه مراد	هارون بن خارجة (ش ۱۱۷۶)	مراد بن خارجة

ب. مدح

راویانی که به صورت ضمني، مورد مدح و ستایش نجاشی قرار گرفته اند^۲، ۲۷ نفر از

۲۹۳ نفرند. از جمله:

عبارت پردازى نجاشى	صاحب مدخل و شماره آن	ترجمه شده ضمنى
الحسين بن القاسم بن محمد بن أيوب بن شمون أبو عبدالله الكاتب وكان أبوه القاسم	الحسين بن القاسم بن محمد بن أيوب (۱۵۷)	القاسم بن محمد بن أيوب بن شمون

۱. هر چند بحث «عطف اسم ظاهر بر ضمیر مستتر مرفوعی» در دانش ادبیات عرب نیز مورد اختلاف و تردید است، ولی با توجه به نظر رجالیان معاصرین چون علامه تستری (تستری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۵؛ همان، ج ۱۱، ص ۱۸۸)، و آقایان سید موسی شبیری زنجانی (درس خارج فقه نکاح، سال ۱۳۷۷، جلسه ۱۲۷)، سید احمد مددی (درس خارج فقه مکاسب، ۱ مهر ۱۳۹۸) و سید محمد جواد شبیری (تقریرات درس رجال، جلسه ۸۹، سال ۱۳۹۱) می توان به صحت این گونه عطف در عبارات نجاشی باورمند شد.

۲. با بهره گیری از تعبیری توصیفی چون: فاضل دین، من اجلة اصحابنا، عظیم المنزلة، فی بیت کبیر من الشیعة، من وجوه من روی الحدیث، من بیت جلیل بالكوفة، کان وجهاً فی أصحابنا، خصیصاً، ممدوحاً، فقیه، و جهاً.

من أجلة أصحابنا		
و كان أبوه يلقب مسلمة، من خيار أصحاب سعد	جعفر بن محمد بن جعفر بن قولوی (۳۱۸)	محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه
سمعت أبا الحسين السوسنجردی رحمه الله و كان من عیون أصحابنا و صالحیهم المتكلمین	محمد بن عبد الرحمن بن قبة الرازي (۱۰۲۳)	أبو الحسين السوسنجردی

ج. تضعیف

راویانی که نجاشی، به صورت ضمنی، به تضعیف ایشان پرداخته، ۱۱ نفر از ۲۹۳ نفر هستند. نجاشی درباره ۴ نفر از ایشان، از تعبیر «روی عنه جماعة غمز فيهم و ضَعَفُوا» بهره گرفته، درباره ۴ نفر، از واژه «ضعیف» و در مورد ۲ نفر، با استفاده از واژه «كذلك» و «أضعف»، به تضعیف ضمنی پرداخته است. نجاشی یک نفر را با تعبیر «مشكوكٌ فی روايته» مذمت کرده است. مانند:

عبارت پردازي نجاشی	صاحب مدخل و شماره آن	ترجمه شده ضمنی
روی عنه جماعة غمز فيهم و ضَعَفُوا منهم: ... یوسف بن یعقوب	جابر بن یزید الجعفی (۳۳۲)	یوسف بن یعقوب البجلی
ضعیف هو و أخوه معمر رویا عن أبي جعفر و أبي عبد الله <small>عليه السلام</small> و كانا من دعاة زید	سعید بن خیشم الهاللی (۴۷۴)	معمر بن خیشم الهاللی
و كذلك ابنه محمد لا يعمل بما انفردا به من الرواية	سلیمان بن عبدالله الدیلمی (۴۸۲)	محمد بن سلیمان بن عبدالله الدیلمی
مباح المدائنی ضعيف جداً. له كتاب يعرف برسالة مباح و طريقها أضعف منها و هو محمد بن سنان	مباح المدائنی (۱۱۴۰)	محمد بن سنان
و روی إسحاق بن محمد بن أبان عنه	محمد بن الحسن بن	اسحاق بن محمد

بن أبان	شمون (۸۹۹)	حدیثا... و إسحاق مشکوک فی روایتہ
---------	------------	----------------------------------

نجاشی، در مجموع، به توصیف رجالی ضمنی ۱۰۵ نفر از ۲۹۳ نفر (بیش از یک سوم) همت گمارده است.

۲. طبقه روایی

اعلام طبقه روای در ترجمه‌های ضمنی را می‌توان در سبک‌های نگارشی زیر یافت:

۱. روایت از امام یا مشایخ حدیثی، مانند:

روی أبوه عن أبي عبدالله و أبي الحسن عليهما السلام.^۱

خاله جعفر بن يحيى بن سعد (سعید) الأحول من رجال أبي جعفر الثاني عليه السلام.^۲

روی أبوه عن حنان عن أبي عبدالله عليه السلام.^۳

در برخی موارد، نجاشی با بهره‌گیری از عبارت «كذلك»، به روایت‌گری از امام یا

مشایخ اشاره می‌کند، مانند:

روی أبوه عن أبي عبدالله و أبي الحسن عليهما السلام... و عمومته كذلك إسحاق و يعقوب.^۴

۲. روایت دیگر محدثان از وی، مانند:

وله ابن أسمئله محمد، روی عنه ابن عقدة.^۵

روی عنه جماعة غمز فيهم و ضعفوا منهم: عمرو بن شمر و مفضل بن صالح.^۶

۳. مکاتبه با امام عليه السلام، مانند:

لوالده أحمد بن عبدالله مكاتبة إلى الرضا عليه السلام.^۷

كان له إخوة جعفر و الحسين و أحمد، كلهم كان له مكاتبة.^۱

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۸، ش ۵۵، مدخل اسماعیل بن عمر بن أبان الكلبي.

۲. همان، ص ۵۹، ش ۱۳۷، مدخل الحسن بن سعید بن حماد الاهوازی.

۳. همان، ص ۶۲، ش ۱۴۶، مدخل الحسن بن عبدالصمد الأشعری.

۴. همان، ص ۵۷، ش ۱۳۱، مدخل الحسين بن محمد بن الفضل.

۵. همان، ص ۲۸۷، ش ۷۶۶، مدخل عمرو بن عثمان الثقفي.

۶. همان، ص ۱۲۹، ش ۳۳۲، مدخل جابر بن یزید ابوعبدالله الجعفی.

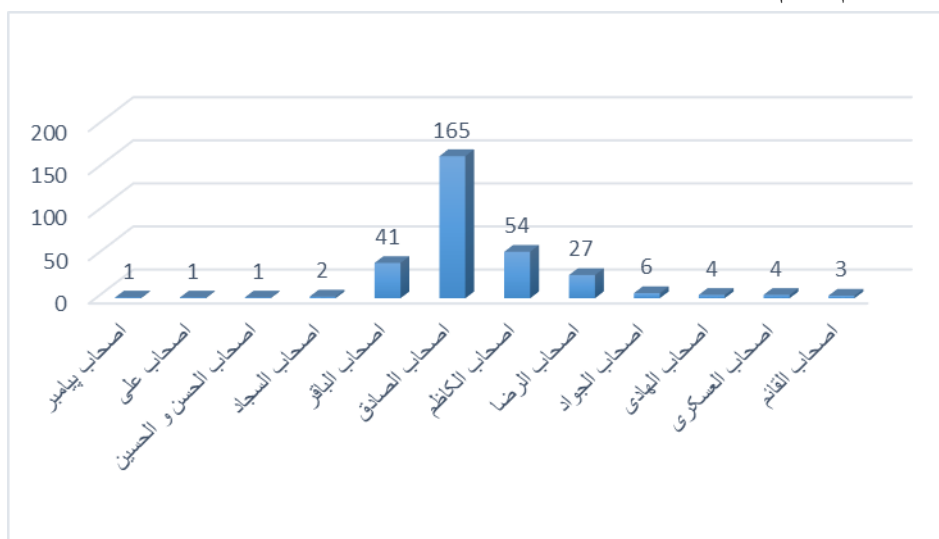
۷. همان، ص ۳۴۶، ش ۹۳۵، مدخل محمد بن احمد بن عبدالله بن مهران الكرخي.

۴. ارتباطات حدیثی با دیگر راویان هم طبقه، مانند:

علی بن الحسن الطاطری... و هو أستاذ الحسن بن محمد بن سماعة الصيرفي الحضرمي و منه تعلم و كان يَشْرِكُه في كثير من الرجال و لا يروي الحسن عن علي شيئاً، بلی منه تعلم المذهب.^۲

۵. اشاره به معاصرت و تلاقی زمانی با امام معصوم علیه السلام، مانند:

و أخوه نوح بن دراج القاضي كان أيضاً من أصحابنا... و مات في أيام الرضا علیه السلام.^۳
 با گردآوری ترجمه‌های ضمنی و توجه به طبقه روایی این دسته راویان، شاهد تراکم حضور ایشان در طبقه اصحاب امام باقر تا اصحاب امام کاظم علیهم السلام هستیم. اوج این حضور، در طبقه اصحاب امام صادق علیه السلام است. نمودار زیر، گویای این مطلب است. شاید این تراکم، با آغاز نهضت کتابت حدیث در عصر امام باقر علیه السلام تا دوره گسترده شدن آن در دوره امامت امام کاظم علیه السلام بی ارتباط نباشد.^۴



این نمودار، فقط به اعلام روابط روایی ترجمه‌شدگان ضمنی با معصومان علیهم السلام پرداخته است.

۱. همان، ص ۳۵۵، ش ۹۴۹، مدخل محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری.

۲. همان، ص ۲۵۵، ش ۶۶۷، مدخل علی بن الحسن الطاطری.

۳. همان، ص ۱۲۷، ش ۳۲۸، مدخل جمیل بن دراج.

۴. توضیحات این مطلب خواهد آمد.

ب. دستاوردهای تحلیلی

پس از گذر از توصیف پدیده ترجمه ضمنی و بررسی دستاوردهای رجالی آن، نوبت به تحلیل داده‌های برآمده از آن می‌رسد؛ دستاوردهایی را که در عرصه اعتبارسنجی و تاریخ حدیث شیعه کارایی دارد. مهم‌ترین دستاوردهای تحلیلی پدیده ترجمه ضمنی عبارت است از:

یکم: اثبات ناقلان شفاهی احادیث

در جای دیگر^۱ به اثبات رسیده که بستر اصلی حفظ و انتقال حدیث شیعه، به کتابت و مکتوبات حدیثی اختصاص یافته و از این روست که «کتاب محوری» یکی از عناصر اصلی حدیث شیعه به حساب می‌آید. کتابت حدیث که از عصر نبوی آغاز شده بود^۲، از دوره امامت امام باقر^{علیه السلام} رنگ و بویی دگر یافت و با تأکیدات آن امام، کتاب‌های حدیثی پدیدار شد.^۳ این نهضت مبارک، در عصر امام صادق^{علیه السلام} بسیار گسترش یافت؛ به گونه‌ای که صدها تن از یاران آن حضرت، به نگارش کتاب‌های حدیثی در موضوعات گوناگون پرداختند.^۴ سرانجام، نهضت کتاب محوری در دوره امامت امام کاظم^{علیه السلام}، همه عرصه حفظ و انتقال حدیث را به خود اختصاص داد. گزارش سماعة بن مهران و انعکاس این واقعیت، خواندنی است:

عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ... إِنَّا نَجْتَمِعُ فَنَتَدَاكِرُ مَا عِنْدَنَا، فَلَا يَرُدُّ عَلَيْنَا شَيْءٌ إِلَّا وَعِنْدَنَا فِيهِ شَيْءٌ مُسَطَّرٌ وَذَلِكَ مِمَّا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا بِكُمْ».^۵

توجه به این پدیده مهم و فراگیر، ما را با دو نوع کارکرد و نقش آفرینی برای راویان و اصحاب ائمه^{علیهم السلام} در طول تاریخ حدیث شیعه مواجه می‌سازد: یکم، تألیف کتاب حدیثی؛

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر، ر.ک: تاریخ حدیث مکتوب شیعه در دوران نخستین، عباس مفید.

۲. بر همین پایه است که نجاشی، کتاب خویش را با نگارندگان انگشت‌شمار عصر امیرالمؤمنین^{علیه السلام} آغاز کرده است: «ذكر الطبقة الأولى».

۳. بر پایه داده‌های رجال نجاشی، راویان صاحب اثر در زمان امام باقر^{علیه السلام}، که معمولاً عصر امامت امام صادق^{علیه السلام} را نیز درک کرده‌اند، ۴۰ نفر شمارش شده‌اند. جهت اطلاع از اسامی ایشان، ر.ک: حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۴. در کتاب اعتبارسنجی احادیث شیعه (صص ۲۲۲ تا ۲۳۵) تعداد ۳۲۳ نفر از نگارندگان اصحاب الصادق^{علیه السلام}، بر پایه کتاب نجاشی، شمارش و نام بردار شده است.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۲.

دوم، انتقال کتاب حدیثی دیگران.^۱ اما با توجه به پدیده ترجمه ضمنی، می‌توان گونه سوم را نیز در کنار آن دو یاد کرد: کسانی که بیشتر در ابتدای نهضت کتابت حدیث، به‌ویژه در دوره امامت امام صادق علیه السلام به فعالیت حدیثی اشتغال داشته‌اند، ولی نه به تألیف کتابی حدیثی دست‌زده، و نه در طریق انتقال آثار حدیثی دیگران واقع شده‌اند. از این گروه راویان، می‌توان به «ناقلان شفاهی حدیث» یاد کرد. منظور از ناقلان شفاهی احادیث، کسانی‌اند که احادیث دریافت داشته خود را به صورت شفاهی، و نه با ارائه مکتوبات خود، به شاگردان‌شان انتقال می‌داده‌اند. درباره برخی از این دسته راویان، گزارشی مبنی بر داشتن مکتوبات حدیثی وجود ندارد ولی قرائن و شواهدی گویا درباره برخی دیگر، حاکی از داشتن مکتوبات حدیثی است. علت این امر (در اختیار نگذاشتن مکتوبات حدیثی خود به شاگردان) را شاید بتوان این‌گونه بیان داشت: در ابتدای نهضت کتابت حدیث، هرچند که اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام، بنا به توصیه‌های ائمه اطهار علیهم السلام، اقدام به کتابت حدیث می‌کردند، ولی به دلیل پراکنده بودن مکتوبات حدیثی‌شان و شکل‌نگرفتن کتاب‌های حدیثی مرسوم، از نگاشته‌های خود در هنگام تحدیث بهره می‌جسته‌اند، ولی آن مکتوبات را در اختیار شاگردان خود قرار نمی‌دادند.

منهای بحث از پدیده ترجمه ضمنی و با تمرکز روی ناقلان شفاهی آثار و پردازش مستقل به آن، می‌توان «ناقلان شفاهی احادیث» را در دسته‌های ذیل جای داد:

یک: راویانی که در منابع فهرستی، کتاب حدیثی برای‌شان ذکر شده، ولی عنوان کتب یادشده با موضوعات روایات نقل‌شده از ایشان، تطابق موضوعی ندارد. همچون زرارة بن اعین، که علیرغم حضور در اسناد حدود سه هزار روایت فقهی در کتاب وسائل الشیعه، تنها، کتابی اعتقادی با عنوان استطاعت و جبر برایش یاد شده است.^۲

۱. بر این پایه، با سه دسته راوی مواجه خواهیم بود: ۱- راویانی که تنها نگارنده کتاب حدیثی بوده‌اند؛ چون عبیدالله بن علی حلبی. ۲- راویانی که تنها به انتقال کتاب‌های حدیثی دیگران پرداخته‌اند؛ چون محمد بن اسماعیل نیشابوری. ۳- راویانی که هم به تألیف کتاب حدیثی پرداخته و هم در عرصه انتقال دیگر کتاب‌های حدیثی کوشا بوده‌اند؛ مانند محمد بن ابی عمیر. برای تبیین روشن مطلب، ن. ک: حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۱۷۳.

۲. «قال أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابويه رحمه الله: رأيت له كتاباً في الاستطاعة و الجبر». (نجاشی، رجال، ص ۱۷۵، ش ۴۶۳). جالب آن است که نجاشی، خود به کتابی از زراره پی نبرده و این مطلب

دو: روایانی که حجم روایاتشان از ائمه علیهم السلام، با میزان روایات موجود در کتابشان، تناسب کمی ندارد. مانند محمد بن مسلم.^۱
سه: روایانی نام آشنا که در منابع فهرستی، جزو مؤلفان شیعی به حساب نیامده، و کتابی برای شان یاد نشده است.

چهار: کسانی که نه به قصد دریافت معارف و علم اندوزی از محضر امام معصوم علیه السلام، بلکه به خاطر مواجهه‌ای اتفاقی یا ملاقات در ایام حج و مسافرت، به محضر امام شریفیاب می‌شدند و به تناسب و نیاز، سؤالی را از ایشان می‌پرسیدند و پاسخ حضرت را پس از بازگشت از سفر، به دیگران منتقل می‌کردند.^۲ حضور صدها راوی کاملاً ناشناس در طبقه اصحاب امام صادق علیه السلام در اسناد حدیثی کتب اربعه، گویای این نقش است.^۳

را از زبان شیخ صدوق بازگو می‌دارد. ممکن است گفته شود که بر پایه گزارش‌هایی چند، زراره از کسانی است که فرمایشات امام علیه السلام را در همان مجلس یادداشت برداری می‌کرد و این، با نکته پیش گفته، سازگاری ندارد. از جمله: «دخل زرارة على أبي عبد الله عليه السلام قال إنكم قلت لينا في الظهر والعصر على ذراع وذراعين ثم قلت أبردوا بها في الصيف فكيف الإبراد بها؟ وفتح ألواح ليكتب ما يقول، فلم يُجبه أبو عبد الله عليه السلام بشيء، فأطبق ألواح فقال: إنما علينا أن نسألكم وأنتم أعلم بما عليكم، وخرج.» (كشي، رجال، ص ۱۴۴). در پاسخ، باید به همان نکته پیش گفته اشاره کرد که منظور از «ناقل شفاهی حدیث» کسی است که احادیث خود را به صورت شفاهی، به شاگردانش انتقال داده است؛ هر چند که ممکن است مکتوبات حدیثی داشته باشد ولی آن را در اختیار دیگران قرار نداده باشد. غیر از کتاب استطاعت و جبری که در منابع فهرستی برای زراره یاد شده، در هیچ گزارش دیگری، خبری از تألیفات این فقیه بزرگ امامیه نیست. طبیعی است که این حجم از هزاران روایت وی، به صورت شفاهی در اختیار شاگردانش قرار گرفته باشد.

۱. محمد بن مسلم خود نقل می‌کند که ۳۰ هزار حدیث از امام باقر و ۱۶ هزار حدیث از امام صادق علیه السلام دریافت کرده است: «عن محمد بن مسلم قال ما شجر في رأيي شيء قط إلا سألت عنه أبا جعفر عليه السلام حتى سألته عن ثلاثين ألف حدیث و سألت أبا عبد الله عليه السلام عن ستة عشر ألف حدیث.» (كشي، رجال، ص ۱۶۳). از طرفی مشاهده می‌کنیم که نجاشی تنها یک کتاب با عنوان «الأربعمائة مسألة في أبواب الحلال و الحرام» برای وی برشمرده است. (همان، ص ۳۲۳، ش ۸۸۲). جالب آن است که شیخ طوسی نام وی را در شمار مؤلفان شیعی به حساب نیاورده است. تعداد ۴۶ هزار حدیث دریافت شده از صادقین علیهم السلام، با تعداد چهارصد حدیث این کتاب، هم‌خوانی ندارد و مؤید نکته بالاست.

۲. در مقابل این گروه، روایانی‌اند که به قصد کسب معارف و دانش‌اندوزی، رنج سفر را بر خود هموار می‌کرده‌اند. گزارش ۲۸۰ رجال كشي (ص ۱۶۷)، گویای یکی از همین تلاش‌هاست: «أقام محمد بن مسلم بالمدينة أربع سنين يدخل على أبي جعفر عليه السلام يسأله، ثم كان يدخل على جعفر بن محمد يسأله... ما كان أحد من الشيعة أفتقه من محمد بن مسلم.»

۳. با بهره‌گیری از نرم‌افزار درایة النور، تعداد بیش از ۴۰۰ روای «نا آشنا» و بیش از ۲۰۰ روای «مبهم» در

تعداد ناقلان شفاهی در ترجمه‌شدگان ضمنی: پیش‌تر گفته شد که حدود دو سوم از ترجمه‌شدگان ضمنی در کتاب نجاشی (۱۹۷ مورد)، دارای تألیف نیستند. از میان این عده، تعداد ۶۳ نفر را نجاشی از راویان مستقیم ائمه علیهم‌السلام دانسته و بدان تصریح کرده است.^۱ افزون بر آن، تعداد ۲۳ نفر دیگر از ترجمه‌شدگان ضمنی را، که در منابع موجود حدیثی، روایاتی را

ناقلان معارف امام صادق علیه‌السلام، در محدوده کتب اربعه حدیثی شیعه، گرد آمده است. ر.ک: درایة النور، محیط اسناد، سربرگ «عنوان»، سربرگ «روی عنه» شاگردان امام جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام.

۱. که عبارتند از: ۱. ابو خالد محمد بن مهاجر بن عبید (ش ۴۶)؛ ۲. ابوشعبه [الحلبی] (ش ۶۱۲)؛ ۳. ابوعامر بن جناح (ش ۵۱۲)؛ ۴. اسحاق بن الفضل بن یعقوب بن سهل (ش ۱۳۱)؛ ۵. اسحاق بن یحیی الکاهلی (۵۸۰)؛ ۶. اسماعیل بن ابی السّمّال (۳۰)؛ ۷. اسماعیل بن الفضل بن یعقوب بن سهل (۱۳۱)؛ ۸. الحسن بن ابی سارة الرواسی (۸۸۳)؛ ۹. الحسن بن المختار القلانسی (۱۲۳)؛ ۱۰. الحسن بن حذیفة بن منصور (۳۸۳)؛ ۱۱. الحسن بن شجرة بن میمون (۷۲۰)؛ ۱۲. الحسن بن علوان الكلبي (۱۱۶)؛ ۱۳. الحارث (۲۴۷)؛ ۱۴. الحسين بن المنذر بن ابی طریفة (۸۸۶)؛ ۱۵. الحسين بن عبدالحمین بن بکیر (۵۸۱)؛ ۱۶. القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب الجعفری (۴۱۱)؛ ۱۷. جعفر بن ابراهیم بن محمد الطالبی الجعفری (۴۸۳)؛ ۱۸. جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی [الجعفری] (۵۶۲)؛ ۱۸. جعفر بن یحیی بن سعد (ش ۱۳۷)؛ ۱۹. حفص بن سابور الزیات (۲۸۰)؛ ۲۰. حماد بن زید الحارثی (۱۰۱۱)؛ ۲۱. حمادة اخت ابی عبیده الحذاء (زیاد بن عیسی)، بنت رجاء (۴۴۹)؛ ۲۲. حمزة بن الیسع بن عبدالله القمی (۲۲۴)؛ ۲۳. حیان بن علی العنزلی (۱۱۳۱)؛ ۲۴. خالد بن الحجاج الکرخی (۱۲۰۴)؛ ۲۵. زکریا بن سابور الزیات (۲۸۰)؛ ۲۶. زیاد بن سوقة الجریری (۳۴۸)؛ ۲۷. سکین بن عمار النخعی (۹۶۹)؛ ۲۸. شاذان بن الخلیل النیشابوری (۸۴۰)؛ ۲۹. شجرة بن میمون (۷۲۰)؛ ۳۰. صَبَّاح بن موسی الساباطی (۷۷۹)؛ ۳۱. عبدالحمید بن ابی العلاء الخفاف (۱۱۷)؛ ۳۲. عبدالحمید بن بکیر بن اعین الشیبانی (۵۸۱)؛ ۳۳. عبدالحمید بن سالم العطار (۹۰۶)؛ ۳۴. عبدالخالق بن عبدریه (۵۰)؛ ۳۵. عبدالرحیم بن عبدریه (۵۰)؛ ۳۶. عبدالله بن رباط البجلی (۹۵۵)؛ ۳۷. عبدالله بن عثمان الفزازی (۳۷۱)؛ ۳۸. عبدالله بن مُحْرز (۸۱۵)؛ ۳۹. عُقبَة بن حمران الشیبانی (۳۶۵)؛ ۴۰. علی بن ابی العلاء الخفاف (۱۱۷)؛ ۴۱. علی بن السری الکرخی (۹۷)؛ ۴۲. علی بن عبدالحمین بن بکیر (۵۸۱)؛ ۴۳. علی بن عثمان (۱۴۱)؛ ۴۴. علی بن نعیم الصحاف (۱۲۰)؛ ۴۵. عمر بن ریاح القلاء (۲۲۹)؛ ۴۶. عمر بن ریاح القلاء (۶۷۹)؛ ۴۷. عمرو بن مسلم ابونجران التمیمی (۶۲۲)؛ ۴۸. غنیمة بنت عبدالرحمن بن نعیم (۲۷۳)؛ ۴۹. قیس بن موسی الساباطی (۷۷۹)؛ ۵۰. یعقوب بن الیاس بن عمرو (۲۷۲)؛ ۵۱. یعقوب بن الیاس بن عمر البجلی (۴۴۵)؛ ۵۲. یعقوب بن الفضل بن یعقوب بن سهل (۱۳۱)؛ ۵۳. یزید بن اسماعیل الطائی (۱۷۲)؛ ۵۴. یحیی بن سلیم (سلیمان) ابوالبلاد (۳۲)؛ ۵۵. یحیی ابومحمد البجلی (۵۲۴)؛ ۵۶. محمد بن الفضل بن یعقوب بن سهل (۱۳۱)؛ ۵۷. محمد بن حذیفة بن منصور (۳۸۳)؛ ۵۸. محمد بن سوقة الجریری (۳۴۸)؛ ۶۰. محمد بن عبدالحمین بن بکیر (۵۸۱)؛ ۶۱. محمد بن علی بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب [الجعفری] (۵۶۲)؛ ۶۲. معمر بن خیشم الهلالی (۴۷۴)؛ ۶۳. میسر بن عبدالعزیز النخعی (ش ۹۹۷).

از معصومان عليهم السلام به صورت مستقیم نقل کرده‌اند، می‌توان به آمار بالا افزود^۱ و تعداد آن را به ۸۵ نفر افزایش داد.

دوم: توثیق غیر صاحب کتاب حدیثی

با نگاه به آمار به دست آمده از ترجمه‌های ضمنی، این نکته هویدا می‌شود که بخشی از این راویان، گرچه دارای کتاب حدیثی نیستند، ولی مورد توثیق نجاشی قرار گرفته‌اند. ۵۰ نفر از ترجمه‌شدگان ضمنی، این‌گونه‌اند. با توجه به این آمار قابل توجه (یعنی حدود ۱۰ درصد همه توثیقات نجاشی در سرتاسر کتاب)، دیگر شاید نتوان انحصار تعلق توثیق به راویان صاحب اثر و کتاب را پذیرفت^۲ و باید توسعه در متعلق توثیق را باور داشت؛ هرچند که پیشینه راویان توثیق شده، نگارندگان کتاب‌های حدیثی بوده‌اند. بنابراین باید گفت: فرایند توثیق در عصر حضور و دوره رجالیان متقدم، تنها درباره مؤلفان کتاب‌های حدیثی به کار نمی‌رفته، بلکه توثیق، ناظر به گونه نقش آفرینی راوی در عرصه‌های انتقال احادیث (و نه تنها کتابت آن) و اعتمادسازی به وی در این وادی است.

جهت وضوح بیشتر مدعا و رفع شبهات و ابهامات آن، لازم به ذکر است که از میان ۲۹۳ راوی ترجمه‌ضمنی شده (۳۰۸ عنوان بدون حذف موارد تکراری)، ۶۸ نفر به صورت ضمنی توثیق شده‌اند که از این میان، ۱۸ نفر جزو مؤلفان شیعی و دارای مدخل مستقل در

۱. که عبارتند از: ۱. اسماعیل بن عمار بن حیان الصیرفی (ش ۱۶۹)؛ ۲. اسماعیل بن عبدالرحمن الجعفی (ش ۲۸۱)؛ ۳. الربیع بن القاسم البجلی (ش ۸۲۴)؛ ۴. حمزة بن بزيع (ش ۸۹۳)؛ ۵. خيثمة بن عبدالرحمن الجعفی (ش ۲۸۱)؛ ۶. سالم بن عبدالرحمن العطار [الاشل] (ش ۶۲۹)؛ ۷. عمران بن علی الحلبي (ش ۲۴۵)؛ ۸. علی بن ابی شعبة الحلبي (ش ۲۴۵)؛ ۹. عبدالسلام بن عبدالرحمن بن نعيم الازدی الغامدی (ش ۲۷۳)؛ ۱۰. عبدالحمید بن فرقد النهدي (ش ۴۱۸)؛ ۱۱. عمرو بن مروان (ش ۷۸۰)؛ ۱۲. عبدالخالق بن عبدربه (ش ۱۱۵۶)؛ ۱۳. عبدالله بن محمد الجعفی (ش ۳۳۲)؛ ۱۳. عذافر بن عيسى الصيرفي (ش ۹۶۶)؛ ۱۴. عمر بن عيسى الصيرفي (ش ۹۶۶)؛ ۱۵. عبدالحمید بن ابی الديلم (ش ۱۱۱۴)؛ ۱۶. معاذ بن مسلم بن ابی سارة الرواسی (ش ۸۳۳)؛ ۱۷. محمد بن حکيم (ش ۱۱۳۸)؛ ۱۸. مراد بن خارجه (ش ۱۱۷۶)؛ ۲۰. یونس بن عمار بن حیان الصيرفي (ش ۱۶۹)؛ ۲۱. یوسف بن عمار بن حیان الصيرفي (ش ۱۶۹)؛ ۲۲. یوسف بن یعقوب البجلی (ش ۳۳۲)؛ ۲۳. یزید بن فرقد النهدي (ش ۴۱۸).

۲. جهت اطلاع از اصل نظریه (انحصار تعلق توثیق، به راویان صاحب اثر) و مستندات و ادله آن، ر.ک: حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، صص ۱۹۴-۱۹۷.

این کتاب هستند.^۱ در مقابل، ۵۰ نفر جزو مؤلفان شیعه به حساب نیامده و در منابع فهرستی، کتابی برای شان یاد نشده است. افزون بر موارد بالا، می‌توان به ۲۴ راوی ترجمه‌ضمنی شده بدون تألیف^۲ که با تعابیری چون: «وجهاً فی أصحابنا» و «من أجله أصحابنا»، مدح شده و نیز ۵ راوی مذمت‌شده ضمنی بدون تألیف^۳ استناد کرد. در جواب این سؤال که ممکن است علت یاد نشدن تألیف برای این گروه، نبود اطلاعات و دست‌نیافتن نجاشی به آثار ایشان بوده، باید گفت: تعابیر نجاشی در برخی موارد، حاکی از شناخت کامل نسبت خاندان راوی و فعالیت‌های حدیثی ایشان است^۴ و در برخی دیگر، به نداشتن تألیف برای راوی تصریح می‌کند.^۵

۱. که عبارتند از: ابراهیم بن ابی البلاد، اسحاق بن غالب الاسدی، حدید بن حکیم، زُقیم بن الیاس بن عمرو، شهاب بن عبدربه، عبدالغفار بن القاسم بن قیس ابومریم، عبدالله بن غالب الاسدی، عبدالملک بن عتبة الهاشمی النخعی، عبیدالله بن علی الحلبي، العلاء بن فضیل بن یسار النهدي، محمد بن عطية الحنّاط، عمرو بن منهل، الفضیل بن یسار النهدي، القاسم بن فضیل بن یسار النهدي، محمد بن عطية الحنّاط، محمد بن علی الحلبي، وهب بن عبدربه، یحیی بن العلاء الرازی.
۲. که عبارتند از: ابوالحسن علی بن عبدالواحد الخُمري [النهدی] (ش ۳۵۴)، ابوالحسین السوسنجردی (ش ۱۰۲۳)، اسماعیل بن عبدالرحمن الجعفی (ش ۲۸۱)، بسطام بن علی ابوعلی (ش ۹۲۸)، بشر بن اسماعیل بن عمار بن حیان (ش ۱۶۹)، جعفر بن محمد بن عون الاسدی (ش ۱۰۲۰)، الحسن بن هارون بن عمران الهمذانی (ش ۹۲۸)، الحُصین بن عبدالرحمن الجعفی (ش ۲۸۱)، خیشمة بن عبدالرحمن الجعفی (ش ۲۸۱)، شدید بن عبدالرحمن بن نعیم الازدی الغامدی (ش ۲۷۳)، عبدالسلام بن عبدالرحمن بن نعیم الازدی الغامدی (ش ۲۷۳)، عبدالله بن شریک العامری (ش ۶۲۰)، العزیر بن زهیر (ش ۹۲۸)، علی بن ابراهیم بن محمد الهمذانی (ش ۹۲۸)، علی بن اسماعیل بن عمار بن حیان (ش ۱۶۹)، علی بن العلاء بن الفضل بن خالد البرقی (ش ۸۹۸)، علی بن هارون بن عبدالعزيز (ش ۱۱۸۳)، غنیمة بنت عبدالرحمن بن نعیم (ش ۲۷۳)، القاسم بن محمد بن ایوب بن شمون (ش ۱۵۷)، القاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم بن محمد الهمذانی (ش ۹۲۸)، محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (ش ۳۱۸)، محمد بن قیس ابوعبدالله الاسدی (ش ۸۸۰)، موسی بن عبدالسلام بن عبدالرحمن بن نعیم الغامدی (ش ۲۷۳)، هارون بن عمران الهمذانی ابومحمد (ش ۹۲۸).
۳. که عبارتند از: یوسف بن یعقوب البجلی (ش ۳۳۲)، معمر بن خیشم الهلالی (ش ۴۷۴)، محمد بن قیس ابواحمد الاسدی (ش ۸۸۰)، عبدالله بن محمد الجعفی (ش ۳۳۲) و عبدالله بن محمد البلوی (ش ۸۸۴). البته عبدالله بن محمد در فهرست طوسی (ص ۲۹۶، ش ۴۴۵) جزو مؤلفان شیعی به حساب آمده است.
۴. همچون توصیف خاندان حدیثی اسحاق بن عمار: «إسحاق بن عمار بن حیان... الصیرفی، شیخ من أصحابنا ثقة و إخوته یونس و یوسف و قیس و إسماعیل و هو فی بیت کبیر من الشیعة و ابنا أخیه علی بن إسماعیل و بشر بن إسماعیل کانا من وجوه من روی الحدیث.» (همان، ص ۷۱، ش ۱۶۹).
۵. مانند تعبیر: «و لیس للحسن کتاب» در مدخل حسین بن علوان کلبی (ش ۱۱۶) و یا شبیه این عملکرد در

اسامی راویان توثیق شده ضمنی رجال نجاشی، که نمی‌توان ایشان را مؤلف کتاب حدیثی به حساب آورد، بدین شرح است:

- (۱) أبو شعبة [الحلبی] (ش ۶۱۲)
- (۲) أبو عامر بن جَنَاح (ش ۵۱۲)
- (۳) احمد بن محمد بن الهيثم العجلي (ش ۱۵۱)
- (۴) اسد بن اعفر المصری (ش ۴۱۴)
- (۵) اسماعیل بن ابی السَّمَّال (ش ۳۰)
- (۶) اسماعیل بن عمار بن حیان الصیرفی (ش ۱۶۹)
- (۷) جعفر بن ابراهیم بن محمد الجعفری (ش ۴۸۳)
- (۸) الحسن بن ابی سارة الرواسی (ش ۸۸۳)
- (۹) الحسن بن سیف بن سلیمان (ش ۵۰۵)
- (۱۰) الحسن بن شجرة بن میمون (ش ۷۲۰)
- (۱۱) الحسن بن علوان الكلبي (ش ۱۱۶)
- (۱۲) الحسن بن محمد بن خالد الطیالسی (ش ۵۷۲)
- (۱۳) حفص بن سابور الزیات (ش ۲۸۰)
- (۱۴) حفص بن سالم صاحب السابری (ش ۷۵۸)
- (۱۵) حمزة بن بزيع (ش ۸۹۳)
- (۱۶) حیان بن علی العنزى (ش ۱۱۳۱)
- (۱۷) خالد بن الحجاج الكرخى (ش ۱۲۰۴)
- (۱۸) زکریا بن سابور الزیات (ش ۲۸۰)
- (۱۹) زیاد بن سابور الزیات (ش ۲۸۰)
- (۲۰) زیاد بن سوقة الجریری (ش ۳۴۸)
- (۲۱) شجرة بن میمون (ش ۷۲۰)
- (۲۲) صَبَّاح بن موسى الساباطی (ش ۷۷۹)

ترجمه محمد بن قیس ابونصر اسدی (ش ۸۸۰) و پرداختن به چند راوی با نام محمد بن قیس.

- (۲۳) عبدالاعلی بن علی الحلبي (ش ۲۴۵، ۶۱۲، ۸۸۵)
 (۲۴) عبدالخالق بن عبد ربه (ش ۵۰)
 (۲۵) عبدالرحمن بن ابی عبدالله البصرى (ش ۶۲)
 (۲۶) عبدالرحيم بن عبد ربه (ش ۵۰)
 (۲۷) عبدالله بن رباط البجلى (ش ۹۵۵)
 (۲۸) عبدالله بن عثمان الفزارى (ش ۳۷۱)
 (۲۹) عبدالملك بن سعيد الكناني (ش ۵۶۵)
 (۳۰) علی بن ابی شعبة الحلبي (ش ۲۴۵)
 (۳۱) علی بن ابی المغيرة الزبيدي (ش ۱۰۶)^۱
 (۳۲) علی بن بشير (ش ۹۲۷)
 (۳۳) علی بن عطية الحناط (ش ۹۳)^۲
 (۳۴) علی بن نعيم الصحاف (ش ۱۲۰)
 (۳۵) عمار بن ابی معاوية خباب الدهنى (ش ۱۰۹۶)
 (۳۶) عمران بن علی الحلبي (ش ۲۴۵، ۸۸۵)
 (۳۷) عمرو بن مروان (ش ۷۸۰)
 (۳۸) قيس بن موسى الساباطی (ش ۷۷۹)
 (۳۹) قيس بن عمار بن حيان الصيرفي (ش ۱۶۹)
 (۴۰) محمد بن الهيثم العجلى (ش ۱۵۱)
 (۴۱) محمد بن حكيم (ش ۱۱۳۸)

۱. گرچه نجاشی نام وی را به صورت مستقل مدخل نزده و وی را از مؤلفان شیعی ندانسته، ولی با توجه به تعبیری که در ترجمه پسرش آورده، شاید بتوان وی را مؤلف پنداشت: «الحسن بن علي بن أبي المغيرة الزبيدي الكوفي ثقة هو وأبوه روى عن أبي جعفر و أبي عبدالله عليه السلام وهو يروي كتاب أبيه عنه. وله كتاب مفرد.» (همان، ص ۴۹، ش ۱۰۶). بر این پایه، می توان نام وی را از فهرست اسامی بالا حذف کرد.
 ۲. شیخ طوسی، وی را از مؤلفان پنداشته: «علي بن عطية، له كتاب. رويناہ بالإسناد الأول عن ابن أبي عمير عنه» (طوسی، الفهرست، ص ۲۸۳، ش ۴۲۱). ولی با توجه به نظارت رجال نجاشی بر فهرست طوسی، و نیز از آنجایی که قلمروی این پژوهش، رجال نجاشی است، نام این راوی در توثیق شدگان بدون تألیف آورده شده است.

۴۲) محمد بن سوقة الجریری (ش ۳۴۸)

۴۳) محمد بن مهاجر بن عبید (ش ۴۶)

۴۴) محمد بن نعیم الصحاف (ش ۱۲۰)

۴۵) مراد بن خارجة (۱۱۷۶)

۴۶) معاذ بن مسلم بن ابی سارة الرواسی (ش ۸۸۳)

۴۷) همام بن عبدالرحمن البصری (ش ۶۲)

۴۸) یعقوب بن الیاس بن عمر البجلی (ش ۴۴۵)

۴۹) یوسف بن عمار بن حیان الصیرفی (ش ۱۶۹)

۵۰) یونس بن عمار بن حیان الصیرفی (ش ۱۶۹)

در ادامه بحث، برای اثبات مدعای یاد شده، چاره‌ای نیست جز آنکه پا را از کتاب نجاشی فراتر گذارده، دیگر اصول رجالی شیعه را نیز در دایره پژوهش وارد سازیم و به عنوان «شاهد» از آنها بهره گیریم. نتیجه بازپژوهی دو کتاب رجال شیخ طوسی و رجال کشی، به عنوان دو منبع حاوی توثیقات متعدد، به شرح ذیل است:

شاهد اول (توثیقات رجال طوسی): از میان ۱۷۳ توثیق راه‌یافته به کتاب رجال شیخ طوسی، بر مؤلف بودن ۷۲ نفر از این تعداد (حدود ۴۰٪) قرینه‌ای در دست نداریم. این توثیق‌شدگان در میان اصحاب الباقر علیه السلام تا باب «من لم یرو» قرار گرفته‌اند.^۱

۱. اسامی ایشان، بر پایه طبقه‌روایی و مصاحبت‌شان با معصومان علیهم السلام، به منظور امکان ارزیابی و راستی‌آزمایی خوانندگان، بدین شرح است:

اصحاب امام باقر علیه السلام: إسماعیل بن الفضل بن یعقوب (ش ۱۲۴۵)، الحکم بن المختار بن ابی عبید (ش ۱۳۳۴)، عمرو بن دینار المکی (ش ۱۵۲۳)، مسکین (ش ۱۵۸۹).

اصحاب امام صادق علیه السلام: جعفر بن سلیمان الضبعی (ش ۲۰۸۱)، جعفر بن هارون الکوفی (ش ۲۰۸۴)، حماد بن ضمجة (ضمخة/صمحة) (ش ۲۲۹۱)، زید بن عبدالله الحنات (الخیاط) (ش ۲۶۶۳)، عمرو بن حسان الأزدي (ش ۳۵۱۶)، محمد بن سلم/سالم بن شریح (ش ۴۱۲۲)، محمد بن فضیل بن غزوان الضبی (ش ۴۲۵۷).

اصحاب امام کاظم علیه السلام: إسحاق بن محمد (ش ۴۹۲۳)، الحسین (الحسن) بن صدقة (ش ۴۹۸۱)، العباس بن موسی بن جعفر (ش ۵۰۴۲)، عبدالحمید بن عواض الطائی (ش ۵۰۴۵)، عبدالکریم بن عتبة الهاشمی (ش ۵۰۵۲)، عبدالله بن جندب البجلی (ش ۵۰۵۹)، معتب مولى ابی عبدالله (ش ۵۱۰۳)، مصادف مولا (ش ۵۱۰۴)، محمد بن یونس (ش ۵۱۱۶)، أبو المحتمل کوفی (ش ۵۱۷۸)، أبو زکریا الأعور (ش ۵۱۸۵)،

برخی از این راویان توثیق شده، در طریق به کتاب‌های اصحاب ائمه علیهم‌السلام در منابع فهرستی،

أبو مصعب الزیدي (ش ۵۱۸۲).

اصحاب امام رضا علیه‌السلام: إدريس بن عيسى الأشعري (ش ۵۲۰۳)، إسماعيل بن سعد الأحوص (ش ۵۲۰۶)،
بائس مولى حمزة بن اليسع (ش ۵۲۳۴)، الحسين بن علي بن يقطين (ش ۵۲۵۹)، الحسين بن عمر بن
يزيد (ش ۵۲۶۱)، الحسين بن بشار (ش ۵۲۶۳)، زكريا بن عبدالصمد القمي (ش ۵۲۹۴)، عبدالله بن
حنطب البجلي (ش ۵۳۱۶)، علي بن يحيى بن الحسن (ش ۵۳۳۹)، علي بن المسيب (ش ۵۳۴۱)،
العباس بن موسى النخاس (ش ۵۳۴۷)، محمد بن الفضل الأزدي (ش ۵۳۹۰)، معن بن خالد
(ش ۵۴۲۹)، محمد بن أحمد بن قيس بن غيلان (ش ۵۴۳۰)، يعقوب بن يقطين (ش ۵۴۸۹).

اصحاب امام جواد علیه‌السلام: الحسين بن أسد (ش ۵۵۴۱)، المختار بن زياد العبدي (ش ۵۵۹۹)، أبوالحصين بن
الحصين الحصيني (ش ۵۶۲۳)، الحسن بن راشد ابوعلى (ش ۵۵۴۵). گفتنی است نجاشی، گرچه از
مؤلفی با نام «الحسن بن راشد الطفاوی» نام می‌برد و شیخ طوسی نیز در الفهرست از «الحسن بن راشد
مولى بنی العباس» یاد کرده، ولی با توجه به تفاوت طبقه روایی، این عنوان یاد شده در اسامی بالا را
نمی‌توان بر آن دو حمل کرد.

اصحاب امام هادی علیه‌السلام: أحمد بن إسحاق الرازي (ش ۵۶۴۳)، الحسين بن مالك القمي (ش ۵۶۷۱)، صالح
بن محمد الهمداني (الهمداني) (ش ۵۷۰۳)، علي بن الحسين الهمداني (الهمداني) (ش ۵۷۱۵)، كافر
الخادم (ش ۵۷۴۸)، محمد بن علي بن مهزيار (ش ۵۷۵۳)، محمد بن جزك (جرك) الجمال
(ش ۵۷۵۵)، محمد بن مروان الجلاب (ش ۵۷۶۳)، النضر بن محمد الهمداني (ش ۵۷۹۴)، أبو
الحصين بن الحصين (أبو الحسين بن الحسين) (ش ۵۸۰۲)، أبو الحسين بن هلال (ش ۵۸۰۶)، إبراهيم
بن إسحاق (ش ۵۶۳۵). گمانه‌ای مطرح است که این عنوان، همان «ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی»
است. وی در رجال نجاشی (ش ۲۱) و الفهرست طوسی (ش ۹)، به عنوان مؤلف، تضعیف شده است.
ولی با توجه به اینکه شیخ طوسی، وی را در دو کتاب رجالی خود تضعیف کرده، بیشتر رجالیان، اتحاد این
دو عنوان را منتفی دانسته‌اند. (ر.ک: منهج‌المقال: ج ۱ ص ۲۶۷؛ تنقیح‌المقال، ج ۳، ص ۲۸۵) علامه
حلی در خلاصه‌الاقوال (ص ۱۹۸) برای اولین بار به این گمانه اشاره کرده ولی آن را نپذیرفته است.
اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام: إسحاق بن إسماعيل النيسابوري (ش ۵۸۲۲)، عثمان بن سعيد العمري
(ش ۵۸۷۹)، محمد بن علي بن بلال (ش ۵۸۸۸)، محمد بن بلال (ش ۵۸۹۰).

باب من لم یرو عن واحد من الائمة علیهم‌السلام: أحمد بن عيسى بن جعفر (ش ۵۹۲۶)، إبراهيم بن نصير الكشي
(ش ۵۹۳۳)، احمد بن إبراهيم بن معلى (ش ۶۰۱۹)، جعفر بن محمد الدوریستی (ش ۶۰۵۱)، حمدویه
بن نصیر بن شاهي (ش ۶۰۷۴)، علي بن محمد الخلفي (الخلفي) (ش ۶۱۶۱)، عثمان بن حامد أباسعيد
الوجيني (ش ۶۱۶۳)، عبدالله بن طاهر النقار (ش ۶۱۶۸)، عبدالعزيز بن عبدالله بن یونس الموصلي
(ش ۶۱۸۳)، عبدالواحد بن عبدالله بن یونس الموصلي (ش ۶۱۸۴)، محمد بن نصیر [الكشي]
(ش ۶۲۸۴)، أبو نصر بن يحيى الفقيه (ش ۶۴۰۲)، يزيد الكاتب (ش ۵۴۸۸)، تقی بن نجم الحلبي
(ش ۶۰۳۴). شیخ طوسی، گرچه ایشان را در فهرست، جزو مؤلفان یاد نکرده، ولی در کتاب الرجال
خویش (ش ۶۰۳۴)، به مؤلف بودن وی تصریح دارد: «تقی بن نجم الحلبي، ثقة له كتب قرأ علينا وعلى
المرتضى». علامه حلی نیز به این تألیفات اشاره دارد: «له تصانيف حسنة ذكرناها في الكتاب الكبير»
(حلی، خلاصه‌الاقوال، ص ۷۴). از این رو می‌توان نام ایشان را از اسامی بالا حذف کرد.

حضور دارند. از جمله: حسین بن عمر بن یزید در طریق کتاب عمر بن یزید، علی بن حسین همدانی در طریق یوسف بن عقیل بجلی، احمد بن ابراهیم بن معلی در طریق کتاب‌های: جابر بن یزید، سعید بن سعد بن سلیمان و محمد بن حسن جعفری. همچنین راویانی چون: عبدالعزیز بن عبدالله موصلی را که از مشایخ اجازه و شیخ هارون تلکبری است، می‌توان در این دسته جای داد.^۱ متصف شدن این دسته از راویان به وثاقت، که فقط نقش طریقی در انتقال تراث امامیه دارند، تأیید بیشتری نسبت به ادعای مطرح شده است.^۲

شاهد دوم (توثیقات رجال کشی): از میان ۳۴ نفری که در رجال کشی توثیق شده‌اند، ۱۲ نفر ایشان (۳۵٪)، دارای تألیف نیستند؛ هرچند که برخی از این دسته، روایات فراوانی را در منابع موجود حدیثی نقل کرده‌اند.^۳

۱. شیخ طوسی در کتاب الرجال، این‌گونه به این واقعت اشاره دارد: «عبدالعزیز بن عبدالله بن یونس الموصلي الأكبر یکنی أبا الحسن روی عنه التلعکبری و سمع منه سنة ست و عشرين و أجاز له و ذکر أنه کان فاضلاً ثقة» (ش ۶۱۸۳). مراجعه هارون بن موسی تلکبری به وی، به دلیل اخذ کتاب‌های اصحاب امامیه از وی، و حاکی از نقش طریقی پررنگ عبدالعزیز موصلی بوده است. برادر وی، عبدالواحد، که نامش در اسامی بالا به چشم می‌خورد، حضور پر رنگ‌تری در طرق منابع فهرستی دارد. ص ۱۶۳: ر.ک: نجاشی، رجال، ص ۱۳۹ ش ۳۶۲، ۳۷ ص ۱۴۶ ش ۸، ص ۱۷۲ ش ۴۵۴ و ۴۵۵.

۲. تضعیف محمد بن سنان در نقش طریقی خود، باز هم تأکیدی است افزون بر این مدعا: «میاح المدائنی، ضعیف جداً. له کتاب يعرف برسالة میاح و طریقها أضعف منها و هو محمد بن سنان.» (نجاشی، رجال، ص ۴۲۴، ش ۱۱۴۰).

۳. اسامی ایشان عبارت است از: علی بن ابی حمزة الثمالی (ش ۳۵۷)، اسماعیل بن الفضل الهاشمی (ش ۳۹۳)، عمرو بن خالد (ش ۴۱۹)، میسر بن عبدالعزیز (ش ۴۴۶)، ضریس بن عبدالملک بن اعین (ش ۵۶۶)، زیاد بن ابی رجاء (ش ۵۴۷)، ابویوب ابراهیم بن عیسی الخزاز (ش ۶۷۹)، عجلان ابی صالح (ش ۷۷۲)، ابا محمد القمّاص الحسن بن علویة (ش ۹۱۷)، منذر بن قابوس (ش ۱۰۷۰)، علی بن اسماعیل (ش ۱۱۱۹)، ابوجعفر البصری (ش ۹۲۹ و ۱۰۵۵). گزارش در بردارنده توثیق «ابوجعفر بصری»، در این زمینه حائز اهمیت است: «حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الْبَصْرِيُّ، وَ كَانَ ثِقَةً فَاضِلاً صَالِحاً، قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَا إِلَيْهِ مَا يَلْقَى مِنْ أَصْحَابِهِ مِنَ الْوَقِيعَةِ! فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَارِهِمْ فَإِنَّ عَقُولَهُمْ لَا تَبْلُغُ.» (کشی، رجال، ص ۴۸۸ ش ۹۲۹). در این گزارش، ابوجعفر بصری، ماجرای را که به همراه یونس بن عبدالرحمن شاهد آن بوده، برای فضل بن شاذان به صورت شفاهی نقل کرده است. فضل بن شاذان به هنگام نقل این روایت و به جهت اطمینان‌زایی به محتوای آن، ناقل اصلی آن یعنی ابوجعفر بصری را توثیق و مدح می‌کند؛ بی‌آنکه وی مؤلف کتابی باشد و یا گزارش را در قالب مکتوب در اختیار وی قرار داده باشد. این‌گونه روایات و نیز گزارش‌هایی که در سند خود، توثیقی را برای راوی غیر مؤلفی به همراه دارد، خود، دلیلی است مضاعف بر اثبات مدعا، که آن،

شاهد سوم (توثیق خاندان‌های حدیثی در رجال نجاشی): نجاشی، به گاه معرفی خاندان‌های حدیثی شیعه و توثیق راویان آن، اقدام به توثیق کسانی می‌کند که در بیشینه موارد، مؤلف کتاب حدیثی نیستند. این واقعیت، با واکاوی مصداقی خاندان‌های حدیثی معرفی شده در رجال نجاشی در دیگر منابع رجالی و همچنین اسناد روایات، هویدا می‌شود. به عنوان مثال: نجاشی، گرچه در مدخل رافع بن سلمة بن زیاد الاشجعی، به توثیق وی و نیز توثیق خاندان حدیثی «اشجعی» پرداخته و گفته:

رافع بن سلمة بن زیاد بن ابي الجعد الأشجعي مولا هم كوفي، روی عن ابي جعفر و ابي عبدالله عليه السلام ثقة، من بيت الثقات و عيونهم.^۱

ولی در کتاب خود، نه در مدخلی مستقل و نه در قالب ترجمه ضمنی، به هیچ‌یک از راویان این خاندان اشاره نکرده، تا بتوان این توثیق ارزشمند را درباره ایشان جاری دانست. با مراجعه به دیگر منابع اصلی رجال و نیز اسناد روایات، با راویان بیشتری از این خاندان حدیثی ثقه آشنا می‌شویم. در رجال برقی، سه نفر از فرزندان ابوالجعد اشجعی به صورت هم‌زمان، از راویان حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام معرفی شده‌اند:

سالم و عبیده و زیاد، بنو ابي الجعد الأشجعيون.^۲

شیخ طوسی، عبدالله بن ابي الجعد دیگر راوی این خاندان را نیز در زمرة اصحاب امام سجاده عليه السلام دانسته و شناسانده است.^۳ هیچ‌یک از راویان یادشده این خاندان، از مؤلفان به حساب نیامده، ولی مشمول توثیق خاندانی نجاشی‌اند. وضعیت دیگر خاندان‌های حدیثی

امکان تعلق توثیق به راویان غیرمؤلف است. از جمله: «وَجَدْتُ بِحِطِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو السَّمْرُقَنْدِيِّ، وَ حَدَّثَنِي بَعْضُ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا، قَالَ حَدَّثَنِي» (همان، ش ۱۸۱).

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۶۹، ش ۴۴۷.

۲. برقی، رجال، ص ۵. گفتنی است که برقی، سالم بن ابي الجعد را به صورت جداگانه، از اصحاب امام صادق عليه السلام نیز دانسته است (ص ۳۳). در مقابل، شیخ طوسی در کتاب رجالش، وی را از اصحاب امام سجاده عليه السلام دانسته است (ص ۱۱۴). در رجال طوسی (ص ۸۷) شخصی با عنوان «ابوالجعد مولى ابن عطية» در شمار اصحاب امیرالمؤمنین عليه السلام قلمداد شده که گمان می‌رود، جد اعلاى این خاندان و در شمار کبار اصحاب آن حضرت بوده باشد.

۳. طوسی، رجال، ص ۱۱۸. در اسناد روایات، سالم بن ابي الجعد و عبدالله بن ابي الجعد، از راویان حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام به حساب آمده‌اند. با بهره‌گیری از نرم افزار جامع الاحدith (نور ۳/۵) عنوان سالم بن ابي الجعد را در اسناد ده‌ها کتاب حدیثی و تاریخی می‌یابیم.

توثیق شده در رجال نجاشی، بیش و کم، مشابه همین مورد است.^۱

داده‌های جانبی رجالی

در آغاز این نوشتار، از «داده‌های جانبی رجالی» نامی به میان آمد. هرچند که بررسی «داده‌های جانبی» خود، مجالی مستقل می‌طلبد و از موضوع این مقاله خارج است، ولی با توجه به شباهت آن به ترجمه‌ی ضمنی و امکان خلط این دو، لازم است که ترسیمی دقیق، ولی موجز از آن ارائه شود؛ چه اینکه یکی از اشکالات پژوهش‌هایی که به گردآوری ترجمه‌های ضمنی پرداخته‌اند، خلط میان این دو است.

«اطلاعات پراکنده در منابع رجالی و فهرستی، که با بهره‌گیری از آنها و کنار هم چیدن آنها، می‌توان به اطلاعات تازه‌تر و متفاوتی دست یافت و نگارنده آن، با هدف دیگری به بیان آن پرداخته است»، تعریفی است که می‌توان برای داده‌های جانبی ارائه کرد. ارائه این دسته اطلاعات، مقصود اصلی و مورد نظر رجالی نبوده و آن را به هدف تبیین نقش راوی مدخل شده و یا قصد دیگری ارائه کرده است. ولی این، پژوهشگر رجالی است که می‌تواند با دقت در این اطلاعات نامرتب، و کنار هم چیدن این گونه داده‌ها و استخراج مطالب ثانوی، برداشتی رجالی را ثمر دهد. این دسته داده‌ها بیشتر در مباحثی چون: شناخت ارتباطات روایی، اطلاعات طبقه‌شناسی و گونه‌های فعالیت راویان در عرصه انتقال احادیث، به کار می‌آید؛ هرچند که ممکن است شاهد توثیق یا مدح جانبی هم باشیم. این نوع داده‌ها، دایره وسیعی را دربرمی‌گیرد و یک پژوهش رجالی کامل و کارآمد را از آن، گریزی نیست. داده‌های جانبی، حتی قدرت تشکیک در دلالت گزاره‌های قطعی رجالی را نیز داراست. در میان منابع اصلی رجال شیعه، این گونه اطلاعات را بیشتر می‌توان در رجال نجاشی، رجال کشی و فهرست طوسی یافت؛ هرچند که کتاب نجاشی، باز هم قابلیت

۱. به عنوان نمونه، عمر بن ابی شعبة الحلبي، که در اسناد کتب اربعه حدیثی شیعه حضور متعددی دارد ولی جزو مؤلفان شیعی به حساب نیامده، مشمول توثیق خاندانی نجاشی در چند موضع شده است. از جمله: «و آل ابی شعبة بالكوفة بیت مذکور من أصحابنا... و كانوا جميعهم ثقات مرجوعاً إلی ما یقولون.» (نجاشی، رجال، ص ۲۳۱، ش ۶۱۲). وی در رجال برقی (ص ۳۶) و رجال طوسی (ص ۲۵۳) جزو اصحاب امام صادق علیه السلام به حساب آمده است.

بهره‌وری بیشتری را در این زمینه دارد.

جهت وضوح مطلب، به تلاشی که در کتاب «ابراهیم بن هاشم؛ بازخوانی فرایند انتقال حدیث از کوفه به قم» در سنجش و راستی‌آزمایی ادعای «هُوَ أَوَّلُ مَنْ نَشَرَ حَدِيثَ الْكُوفِيِّينَ بِقُمٍ» به‌انجام رسیده، اشاره می‌شود. در این کتاب، پس از استخراج نقش طریقی ابراهیم بن هاشم در انتقال کتاب‌های حدیثی کوفیان، و تحلیل و مقایسه آن با نقش طریقی برخی محدثان قمی، چون: احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد، این ادعا (أَوَّلُ مَنْ نَشَرَ) را غیرقابل پذیرش اعلام کرده است. جالب آنکه این ادعا، که اولین بار توسط شیخ طوسی ابراز شده، مورد پذیرش همه رجالیان شیعه در طول تاریخ بوده است.

مناسب است که به شکلی مختصر، با گونه‌های آن در رجال نجاشی، آشنا شد:

الف) یادکرد رابطه‌های روایی:

گونه‌های رابطه استادی و شاگردی در داده‌های جانبی را می‌توان در مثال‌های زیر دید:

إسماعیل بن زید الطحان ثقة، روی عن محمد بن مروان و معاویة بن عمار و یعقوب بن

شعیب عن أبي عبدالله عليه السلام.^۱

خالد بن طهمان أبو العلاء الخفاف السلولي. قال البخاري: روی عن عطية و حبيب بن

أبي حبيب، سمع منه وكيع و محمد بن يوسف.^۲

محمد بن الوليد البجلي... روی عن يونس بن يعقوب و حماد بن عثمان و من كان في

طبقتهم و عمر حتى لقيه محمد بن الحسن الصفار و سعد.^۳

این مسأله می‌تواند در قالب سلب یک رابطه نیز نمایان شود. مانند داده‌ای که نجاشی در

مدخل فضالة بن ایوب منعکس کرده است:

كلُّ شيءٍ تراه الحسين بن سعيد عن فضالة فهو غلط؛ إنما هو الحسين عن أخيه الحسن

عن فضالة.^۴

ب) انعکاس نقش راوی در انتقال کتاب‌های حدیثی:

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۸، ش ۵۴.

۲. همان، ص ۱۵۱، ش ۳۹۷.

۳. همان، ص ۳۴۵، ش ۹۳۱.

۴. همان، ص ۳۱۱، ش ۸۵۰.

نجاشی، به گاه یادکرد طریق کتاب‌های مؤلفان شیعی، از افرادی نام می‌برد که با در کنار هم چیدن و تحلیل آنها می‌توان به اهدافی چون: شناخت راویان فعال در عرصه انتقال تراث، شناخت مشایخ اجازه، تفکیک نقش طریقی و تألیفی راویان، آگاهی از سرنوشت کتاب‌های حدیثی، میزان استقبال از آثار راویان و... دست‌یافت.

ج) توثیق یا مدح راویان:

طلب رحمت کردن‌های نجاشی با تعبیری چون: «رحمه الله» یا «رحمهم الله»، مدح برخی راویان با تعبیری چون: «جِلَّة اصحابنا»^۱، «شیوخ اصحابنا» و «الشیخ الصالح» و یا اندک توثیق‌های جانبی نجاشی را می‌توان در این دسته داده‌های جانبی برشمرد.^۲ نقل دیدگاه دیگران درباره یک راوی ضمنی نیز در این دسته جای دارد.^۳

د) مذهب راوی:

در رجال نجاشی، گاه، داده‌هایی جانبی را درباره مذهب راویان می‌یابیم. مانند بهره‌گیری

۱. مانند: «و روی جعفر [رأس المذری] عن جلة أصحابنا مثل الحسن بن محبوب و محمد بن أبي عمير و الحسن بن علي بن فضال و عیسی بن هشام و صفوان و ابن جبلة» (همان، ۱۲۰، ش ۳۰۶)، که جلالت و تشیع حسن بن محبوب و راویان بعدی، از آن قابل برداشت است. هدف نجاشی از این عبارت‌پردازی، نه اثبات جلالت حسن بن محبوب و راویان بعدی، بلکه اعلام مدح و جایگاه والای جعفر بن عبدالله رأس المذری است.

۲. جایی که نجاشی، قصد پردازش مستقیم یک راوی را نداشته باشد ولی توثیقی را ارائه دهد، نیز داده جانبی به حساب می‌آید. برای نمونه، وقتی که نجاشی، به هدف ارزیابی استثناءات ابن ولید نسبت به کتاب نوادر الحکمة، نقل دیدگاه استادش را به همراه توثیق یک راوی، بیان می‌کند، نمی‌توان آن را ترجمه ضمنی دانست، بلکه داده جانبی است؛ چه اینکه قصد پردازش مستقیم به ترجمه آن راوی را نداشته و تنها، ارزیابی و نقد دیدگاه ابن ولید را در سر داشته است: «قال أبو العباس بن نوح و قد أصاب شيخنا أبو جعفر محمد بن الحسن بن الوليد في ذلك كله و تبعه أبو جعفر بن بابويه رحمه الله على ذلك إلا في محمد بن عيسى بن عبيد فلا أدري ما رآه فيه لأنه كان على ظاهر العدالة و الثقة» (همان، ص ۳۴۸). حتی بخش اول کلام ابن نوح، که تأیید برداشت و حکم ابن ولید است نیز داده جانبی درباره حدود ۲۰ راوی استثنا شده است. ثقه خواندن ابوعلی بن همام و ابو غالب زراری در مدخل جعفر بن محمد بن مالک الفزاری (ش ۳۱۳) نیز از مقوله داده‌های جانبی است: «و لا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبو علي بن همام و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري رحمهما الله.» (همان، ص ۱۲۲).

۳. برای نمونه: «قال لقيت في حجي عبد الرزاق بن همام الصنعاني و ما رأيت أحدا مثله» (همان، ص ۳۸۰) که حاکی از جلالت عبدالرزاق است. یا: «حدثني الفضل بن شاذان قال حدثني عبد العزيز بن المهدي و كان خير قمي رأيت و كان وكيل الرضا و خاصته» (همان، ص ۴۴۷)، که حاکی از مدح بالای عبدالعزیز است.

بسیار گسترده از ضمیر «نا» در تعابیر: «شیخنا»، «من اصحابنا»، «جماعة اصحابنا» و... که حاکی از صحت مذهب راوی است و یا تصریح به عامی بودن عده‌ای در عباراتی چون: «كان سمع من حديث العامة شيئاً كثيراً... لقي من وجوههم الحسن بن عرفة و محمد بن عبد الملك الدقيقي و أبا حاتم الرازي و عباس الترقفي»^۱.

اگر به هدف عبارت پردازی نجاشی توجه نشود، ممکن است در برخی موارد، در تفکیک بین ترجمه‌ضمنی و داده‌های جانبی با مشکل مواجه شویم. ولی آنچه که دارای اهمیت است، نه این تفکیک، بلکه توجه و بهره‌گیری از تمام داده‌های مستقیم و غیرمستقیم نجاشی است.

جمع بندی و نتیجه گیری

حاصل مقاله در گزاره‌های زیر می‌توان منعکس نمود:

۱. ترجمه‌ضمنی را، به‌عنوان یکی از سبک‌های نگارشی نجاشی در کتاب رجالش، می‌توان این‌گونه شناساند: «یادکرد نجاشی از خویشاوندان مؤلف مدخل شده، که در عرصه انتقال احادیث، نقش‌آفرینی داشته و در بیشینه موارد، مؤلف کتاب نبوده‌اند». «وابستگی خویشاوندی با صاحب مدخل»، «راوی حدیث بودن» و در بیشینه موارد «مؤلف نبودن»، سه پیش شرط ترجمه‌ضمنی در رجال نجاشی است.

۲. «توصیف راویان» به مدح و ذم را می‌توان یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای توصیفی توجه به پدیده ترجمه‌ضمنی در رجال نجاشی دانست که در حدود یک‌سوم موارد آن، رخ داده است. بررسی «طبقه‌روایی» و تعاملات حدیثی راوی نیز از دیگر دستاوردهای توصیفی توجه به ترجمه‌ضمنی است.

۳. مهم‌ترین دستاوردهای تحلیلی پدیده ترجمه‌ضمنی عبارت است از: یکم: اثبات ناقلان شفاهی؛ دوم: توثیق غیرصاحب کتاب حدیثی. منظور از ناقلان شفاهی احادیث، کسانی‌اند که احادیث دریافت‌داشته خود را به صورت شفاهی، و نه با ارائه مکتوبات خود، به شاگردان‌شان انتقال می‌داده‌اند.

۴. با توجه به آمار قابل توجه ترجمه‌شدگان ضمنی توثیق‌شده، دیگر نمی‌توان انحصار

۱. نجاشی، رجال، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷.

تعلق توثیق به راویان صاحب اثر و کتاب را پذیرفت. بررسی توثیقات کتاب رجال طوسی و رجال کشی و نیز توجه به ماهیت خاندان‌های حدیثی شیعه، مؤید آن است.

۵. توجه به «داده‌های جانبی» در اصول رجالی شیعه، به‌ویژه رجال نجاشی، از ضرورات پژوهش رجالی است. نجاشی، در «داده‌های جانبی»، معمولاً قصد ارائه اطلاعات راوی‌شناسی درباره‌ی راویان دیگر را نداشته و هدفش، تبیین نقش راوی مدخل شده است. ولی این، پژوهشگر رجالی است که می‌تواند با کنار هم چیدن این‌گونه داده‌ها و استخراج مطالب ثانوی، برداشتی رجالی را ثمر دهد. داده‌های جانبی، بیشتر در مباحثی چون: شناخت ارتباطات روایی، اطلاعات طبقه‌شناسی و گونه‌های فعالیت راویان در عرصه انتقال احادیث، به کار می‌آید.

منابع و مآخذ

۱. استرآبادی، محمد بن علی، *منهج المقال في تحقیق أحوال الرجال*، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام للاحیاء التراث، چ ۱، ۱۴۲۲ق.
۲. تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چ ۳، ۱۴۳۱ق.
۳. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، *ابراهیم بن هاشم، بازخوانی فرایند انتقال حدیث از کوفه به قم*، قم: رود آبی، چ ۱، ۱۴۰۰ش.
۴. _____، *اعتبارسنجی احادیث شیعه؛ زیرساخت‌ها فرایندها پیامدها*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۲، ۱۳۹۸ش.
۵. حلّی، علامه حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الأقوال في معرفة الرجال (رجال العلامة الحلّی)*، قم: الشریف الرضی، چ ۲، ۱۴۰۲ق.
۶. حلّی، حسن بن علی بن داود، *الرجال*، تهران: دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۴۲ش.
۷. سبحانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چ ۲، ۱۴۲۸ق.
۸. طوسی، شیخ طوسی، محمد بن الحسن، *الفهرست (فهرست کتب الشیعة و اصولهم)*، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۹. _____، *رجال الطوسی*، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چ ۳، ۱۳۷۳ش.
۱۰. علی‌نژاد، ابوطالب، *دانش رجال*، قم: نشر (مؤسسه قرآن و نهج البلاغه)، چ ۱، ۱۳۹۱ش.
۱۱. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، *رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چ ۴، ۱۴۲۴ق.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ج ۴، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱، ۱۴۳۱ ق.
۱۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ ش.
۱۵. نرم افزار درایة النور، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ویرایش ۱/۲، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. نرم افزار جامع الاحادیث (نور)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، ویرایش ۳/۵، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. نرم افزار رجال شیعه، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۱۳۹۵ ش.